

تعلیم می کنیم مؤسین ابن جراید را و تشکر می نمایم از خدمت آنها چون در کاریم لذا می توانیم تصور بکنیم که چه زحمات و زحمات برده و مخصوصاً فداکاری جانی و مالی کرده اند که این اوراق بعرصه ظهور آمده اگر دولت و ملت و مخصوصاً وکلای ملت فرداً فرد وظیفه خود شایسته را نسبت باین سه چراغ هدایت که در خارجه بمنزله آئینه حقیقت های اوضاع ایران و آلت دفاع و مایه اعتبار ما است ندانند این سه طفل نورس وطن ما را زنده گانی دشوار خواهد بود

ای هموطنان عزیز ما عموماً و ای سران ملت و وکلای مجلس مقدس خصوصاً اگر شما امروز متوجه وظیفه خودتان در تشویق و حمایت این جراید نشوید و درست محسنات آنها را نسنجید و در حفظ و حراست آنها بوظایف خودتان عمل نکنید و از حمایت آنها آن غفلت و رزید دوستان شما در خارجه و داخله از لیاقت شما باین اساسی و عنوانات عالیه تودید حاصل خواهند نمود. یعنی شما را قابل خدمت این چیزها نخواهند دانست

منتظریم بدانیم که مجلس مقدس ملی و جراید ایران و دولت و ملت غیور ما جریده اتحادیه فرانسه و ایران را بچه نوع استقبال خواهند فرمود!!! چون نباید فراموش کرد که جمی از محترمین و معتبرین فرانسه که در پاریس مالاً و جاناً با همراهی و خدمت نموده و بدون هیچ قسم اطالت بولی از دولت و ملت ما دارند برای وطن ما با ما کار کرده و وقت شریف خودشان را برای سعادت ما صرف و ضایع می نمایند. ایرانی نیستند فقط ایرانی دوستند و اگر ایرانیان مائل قدر آنها را ندانسته و بآنها کک نکنند یعنی مکاتبه و تشویق نکرده و اخبار و اطلاعات صحیحه بآنها از دور و نزدیک نرسانند و خودشان را حریص و حامی این خدمت بزرگ نشان ندهند و بتوصیه و خواهش این جریده جدید که مقصودش فقط تحصیل اطلاعات صحیحه از داخله و جمع آوری اسباب لازمه بواسطه ایرانیان برای دفاع آنهاست عمل فرمایند آنگاه بزودی این دوستان حقیقی خسته شده و لابد و لاجلاج درباره ما با دشمنان ما هم عقیده خواهند شد یعنی خواهند

گفت که ایرانیان قابل این چیزها نیستند !! مرکز اتحاد و ترقی ایرانیان پاریس با وجود آنچه مفسدین در پیشرفت مقاصد خودشان گفته و می نویسند اعتنا و آنها را اسباب تضييع وقت می داند و آنی از خدمت و پیدا کردن درمان درد ملی وطن غفلت ندارد و مترصد است که عقلای وطن قدر دانی خود را به منصفه ظهور آورده و جریده جدید دفاعیه ایران را که اینک با بست می رسد بخوبی استقبال نمایند

(تکلیف دولت)

تبرک و تشویق و حمایت باین اساس مقدسه و جریده جدید است

(وظیفه مجلس مقدس و وکلای ملت فرداً فرد) اظهار تمجید و تشکر از دوستان ایرانی که در خارجه باین درجه در حفظ حقوق ایران و دفاع منافع ما با ما همراهی کرده و متحمل زحمت می شوند (وظیفه جراید ملی)

ترجمه مندرجات جریده اتحادیه فرانسه و ایران و انتشار آنها و همراهی از این همگان و همسلسکان خودشان

(نصرة)

چون مندرجات جریده اتحادیه ایران و فرانسه متصل است و در آنیه شاید متصل تر و مفید تر بشود و چون در هر یکی از مطالب و کلمات مندرجه آن منافع عدیده و اغذیه جدیده برای کلیه سیاسيون و سران ملت تهیه شده و پروگرامی برای پیشرفت مقاصد ما مسطور است لذا بهتر است که جراید ملی میان خودشان قرار گذاشته برای قناعت وقت و عدم تکرار یکی از فصول و یا مجبوراً منصرف شدن از ترجمه بعضی دیگر هر یکی قسمتی را ترجمه و نشر فرمایند که تمام مندرجات آن حق اساسی اعضای اتحادیه چاپ و منتشر بشود

(تجدید توصیه)

توجه جراید ملی و نطقان و صاحبان قلم را مخصوصاً جلب می کنیم بطرف توصیه و خواهشی که در صفحه دوم و ستون اول صفحه سیم نمره اول جریده اتحادیه ایران و فرانسه مندرج است اهمیت مندرجات این نمره بیشتر از آن است که ما در این مختصر ورقه به تحریر آن پردازیم. فصول ذیل در

جریده اتحادیه فرانسه و ایران در تحت عنوان (مقصود از این اتحاد چیست) احداث (بورس) برای ایرانی ها ، لایحه سیاسی ، طرق و شوارع تجاری ایران ، جراید ایران و سرگذشت آنها - تربیت پادشاه اتحاد عشایر بزرگ ، اخبار ایران و مراسلات قزوین و غیره که تماماً دارای اهمیتی هستند که از اول تا آخر آن اگر مطالعه نشود معلوم نخواهد شد که در تحت این عنوان چه محسنات و نکات مهمه مطلوبه هستند ، تویق و معالیت دوستان خود ما را از درگاه الهی مسئلت مینمایم منشی اول مرکز

شیراز

از قرار اخبار شایعه در پوشهر جناب ظنرالسلطنه از ایالت شیراز و فارس معزول و بجای وی جناب علاءالدوله منصوب و قوام الدوله نایب الایله ایشان میباشد گمان نداریم چیزی بجز بی کفایتی سبب عزل ظفرالسلطنه شده باشد با این همه استمداد از عهده انتظام یک شهر به نهنای بر نیامد و هنوز هم تننا و استدعای مزید قوه و استمداد می نمود ، چنانچه از قرار اخبار کتبی شیراز ده روز قبل جمیع تجار و اعیان شیراز را به تلگرافخانه فرستاده بود که از اولیاء دولت استدعای مرید قوت نمایند

(پوشهر)

هفته گذشته در خصوص منازعه زاپر خضر تنگستانی و شیخ حسین جاه لوتاهی شرحی ، هروض گردید ماده نزاع از آن به بعد علیظ تر گردید ، از طرف تنگستان حسن بخشو که دشمن دیرینه زاپر خضر است بجمایت شیخ حسین و از این سمت احمد خان اسگالی که رقیب قدیم شیخ حسین است بجمایت زاپر خضر رفته مشغول جدال و نزاع میباشد این اغتشاش در حوالی پوشهر حکومت بنسادر را تهدید و تخویف و مایه رسوائی و عدم کفایت دریایی بود ، لذا با دو عراده توپ و سربازهای بحری و توپچی علی الظاهر برای اطناء آتزه جدال و در واقع بجمایت شیخ حسین حرکت نمود علی ای حال برای جناب دریایی چندین فایده متصور و محقق است اول آنکه دشمن خود را مهاجم قلم داد خواهد نمود دوم آنکه مخارج اردو نشی و توپ بردن را از شیخ حسین باز یافت کرد سوم آنکه شاید در ویز مخارج امساله صورت مخارج این نزاع مندرج خواهد نمود چهارم آنکه سربازان ساخلوی حایله

را نامطبیح قلم داد نماید زیرا که در اجتماع مطالبه حقوق خود می نمایند چون مختل است در این حرکت از عهده تنگستانیها بیرون نیساید نایب الحکومه شیخ ناصر خان که عارف بلسان آنها است برای میانجی گری و وساطت و آلت صلح بهرام خود برده و بجای ایشان شجاع الممالک رئیس تومچیان ابوالوردی را نایب الحکومه قرار داد واقعا گل بود و بسزه نیز آراسته شد ما اهالی بنادر بیانک بلند فریاد میکنیم که اگر عدالت و امنیت تام ایرانرا فرا گیرد و همه ایالات رشک پاریس و لندن شود باز بنادر بهمان حالت حالیه باقی خواهد ماند و اگر بنادر تا بجاه سال دیگر واگذار بهمین حکومت باشد یک دینار بابت مالیات بدولت نخواهد رسید چنانچه کابینه جدید ملاحظه بحساب سنه گذشته بنادر و سنوات قبل خاصه آن سالهایکه جمیع گمرکات نیز جزو ابواب جمعی حکومت حایله بود نماید صدق عرایض دعا گوینان ظاهر و هویدا میگردد سابق بر این میگفتیم صلاح مملکت خویش خسروان دانند حالا نمیدانیم دیگر چه گوئیم

ایضا

هرچه آید سال نو گوئیم یاد از یارساله همینکه عادت و حالت اسان بیک رویه و روش حو نمود و در انکار سالهای سال مشق و ورزش کرد محال و ممتنع است که جز بمرگ تغییر طبیعت ثانویه آن داد ، کسی که مدت بیست سال تمام کفایتش تولید نفاق سطواتش تاسیس جنگ و جدال همتش جلب رشوه کارش خوردن مالیات دولت و خرج نواشی فوق الباده و گرفتن پیشکش و تعارف و زبان بند بوده است نه از دولت خائف است و نه از ملت البته آنکه می بیند تا بحال بکنفر حاکم در معرض مجازات بعوض تعذبات بر رعیت و صرف پیروده مال دولت که بمنزله بیت المال مسلمین است دریامده و کترین عاملی بازاء اعمال فییحه ر ظلمهای نهجیه کبفر نیافته بلکه عزت و حرمت دیده دست مزد هم گرفته هیچوقت از ارتکاب به متمنیات و مشتهیات نفسانی و رعیت کشی و بی اعتنائی بشرف و ماموریت خود باز نه ایستد ، و از دولت بی اطلاع نهراسد و از وجود دارالشورا نترسد بلکه آنرا مضحکه پندارد و پیوسته تخطئه کند و شاید عقوبت اخروی و محضر

چهل مرتبه

این اطلاعات را از جای موثق و معتبر حاصل نموده ایم اولیای امور راست که ملتنت بوده فریفته راپورت های جعلی نشود و نگذارند مالیه دولت که دست ریح ملت بچاره بوده این نوع از مہان برود

ایضاً از بوشهر

امروز چهار روز است که بین دریایگی و زایر خضر خنک و استمال توپ و تنگ واقع بیوسته راپورت میدات خنک بوشهر میرسد، و اراحیف بسیار در میان مردم است، خلاصه شموعات یا حقیقت واقع آنکه تنگستانی ما در حوالی سه گز ما دریایگی مقاله و نزدیک بود که توپخانه از دست حزال ماشوکت بگیرند، قریب چهل تیرتوپ شریل ه کوخهای سه گز شلیک نموده بر کنخشی و ام ریخته اند، تا آخر دعوا احتمال دارد چهار صد تیر توپ بیشتر حالی شود، در صورتیکه دیناری پای دولت خرج تراشی شود، البته همین محارج هنگفتی خواهد بود تیرهای توی که در (علویه) بواسطه دستورالعملی که از تنگ رسیده بود شکم هوا را یاره کرد این روزها از برکت حسابت کبیر های بنه گز را سوراخ میکند

تا محال از طرف دریایگی یک پلیس شهری که باید کمک حال کلانتر شهر باشد زحمی و یک نفر تویچی مجروح و یک نفر تفنگچی های شیخ حسین کشته گردیده ولی از طرف مقابل تاکنون معلوم نیست چند نفر معدوم شده باشند خداوند عاقبت امور را ختم بچیر گرداند

در این میان کشتی برس پلیس رفته و در مقابل دلواری لنگر انداخته بدر دلواری فقط عبارت است از دو یا سه سوخ و د دوار تقریباً نیم فرسخ از بدر دور است، و بعد لنگرگاه تا ساحل از یک فرسخ متجاوز خواهد بود، قلعه علی دلباری از شلیک جهاز محفوظست، اگر دریایگی در صورت فتح و غلبه بر زایر خضر علی دلباری که فقط بجای تفنگچی مواجب خور دارد گرفت و او را عبره از برای خوابیدن دیلم و گناوه و ریک و رودخانه نمود میتوان محلی برای این حرکت وی فرض کرد بعلاوه عمل قاجاق بکلی موقوف خواهد شد و زحمت آن یک نفر ارمی مترجم خدا ترس و شو

خداوندی را نیز مانند انجمن محلی فرض نماید که برینتن قطرات اشک و ساختن با چشم و کشک خود را مصوم جلوه دهد و از همه چیزبری الذمه گردد با رسا قریب همین اوقات بود که دریایگی تنیه تنگستانی و مجازات علی دلباری عامل قوی عمل قاجاق را مستمسک و بجانب ایشان حرکت نمود مبلغ خطیری از شیخ حسین جاه کوتاهی و زایر خضر تنگستانی گرفته حیدر خان مفلوک بی عرضه را از اهرم بیرون، حاه و املاک اجدادی او را بنصرف زایر خضر داد، و باوجود آنکه اردوی او همه از تفنگچیان شیخ حسن و زایر خضر بود مبلغ هنگفتی باسم سرکونی تنگستان و رفع اعتشاش مخرج دولت آورد، و خاری هم بیای علی دلواری تخلید، بلکه ر جرئت وی افزود و امساله کرد آنچه را که کرد قسمی که امسال هنگای که بوشهر آمد بعضی نجار مقدس القاب احترامات فائده دربار او معمول داشته پیش کشهای هنگفت تقدیم وی نمود، غالباً تمارف دادند، و باوجود آنکه از دلواری تا بوشهر پای پیاده آمده بود حکومت محل از حسن تدبیر و عمل چهار کالسکه فرستاده محترم او را بشهر وارد و نایب الحکومه شیخ ناصر را به پذیرائی او مامور فرمود - امساله نیز یا بر حسب خصلت موصوفه که ترک آن موجب مرض خواهد شد یا بحایت شیخ حسین جاه کوتاهی که پیوسته با همسایگان نزاع دارد جماعتی از پلیسها و تویچی ها ما یک دو عراده توپ بمقابلی و نزاع با زایر خضر اهرمی حرکت نمود اردوی وی مرکب است از بیست نفر پلیس و ده تاپست نفر تویچی و همین قدر خلاصی های جهاز و قریب پنجاه نفر تفنگچی های کلانتر مابقی تفنگچی های شیخ حسین جاه کوتاهی و حسن بخشو که بحایت شیخ حسین آمده می باشد، با این ترتیب سه هزار تومان هم از شیخ حسین گرفته است تمام اردونی که برده از جانب دولت و طبعه حور هستند شاید اضافه خرج سفری بایشان برسد و بعلاوه کرایه ۵۰ راس قاطر ۱۷ نفر ستر و ۴۰ راس الاع صمیمه خرج ایشان گردد، این بود ما حاصل اصلاح بنده و چون بر حسب دستور عمل بمحل ماموریت میروم نتیجه را دیگران اطلاع خواهند داد

مکیرم ضایع نخواهد شد و الا عمل قاجق مضاعف و مقصود اصلی جناب دریایی ظاهر و هویدا خواهد گردید

تسکه

سه یوم قبل حاجی عبد الرحمن وکیل جهازات روسی در بندر تسکه نهار جناب نایب الحکومه و حاجی عباسعلی رئیس انجمن بلدی و بعضی از اعضاء انجمن را دعوت نموده بود در موقع نهار گویا استاد و عمله فرستاده بدون اجازه انجمن بلدی شالوده خانه که قریب بانجمن است گذارده ، عصر که نایب الحکومه بطرف گردش میرفت اساسی نو می بیند جویا می شود میگویند مال حاجی عبدالرحمن است آیا با اجازه انجمن بوده خبره فوراً حکم میکند اساس را خراب میکنند ، روساء انجمن بلدی مطلع شده بسیار مسرور می شوند که خراب کرده است

(ایضاً)

از قرار معلوم حکمی از طرف حکمران کل و حکمی از طرف شهیندر عثمانی به حاجی سالم افندی که فعلاً در بوشهر رسیده که بیری بجزیره عثمانی در تسکه نصب نمایند محمد خواجا در مذاکره با جناب نایب الحکومه میباشد ، از قرار مذکور محمد خواجا نوشته است که شما بعضی اشخاص را واسطه قرار داده اید که پنجاه لیره تعارف میخواهم نقل نیست محرمانه بنویسید بدون واسطه حاضر ، نایب الحکومه اظهار داشته هرگز چنین چیزی نه بوده ، و من شرفم را بده هزار لیره هم نمیفروشم و این شخص بمن نهمت زده ، تا هنوز بیری زده نشده ، بعضی از کاشندگان عبدالله که داری از قرار معلوم گرفتار شده گویا سرقی در آخر ولایت شده و حین هم بد در حق آقا عبدالله میگویند تا بعد چه شود ، حالات چندان خوب دیده نمیشود مگر هر روزه نفاق زیاد میشود

دیگر در هفته قبل از رئیس کرک تسکه در خصوص بندر خیر و معدن بعضی ابرادات از بوشهر گرفته اند ، رئیس کرک خطی به حکیمان و خطی باعضاء جهاز نوشته بود که آیا من در خیر هرگز رفته ام ، در برج حمل و در آخر برج جوذا ، کلبان نوشته بود سفر اول تاریخ فلان حسب امر حرکت نمودیم بالیوز انگلیس و وکیل شکل

همراه بود رفیق منجم و بسیدو عباسی و مراجعت کردیم خیر رفیق ، سفر دوم تاریخ فلان با قول سل انگلیس رفیق منجم و بسیدو و مراجعت کردیم ملا عبدالله مقوم کرک همراه آمد رفیق بسیدو با جهاز انگلیس رفیق تالافت و مراجعت کردیم ، رئیس خلیل مرسان شده گفته بود لازم نیست فقط شما بنویسید که خیر ما زفته ایم دیگر نمیدانم چه شکل نوشتند

خانه از مال آقا بدر صاحب تسکه قریب بستخانه یعنی در یک کوچه واقع شده داکتر منزل داشت بواسطه گرمی هوا جای دیگر رفته فعلاً شخصی ماهی بیست روپیه حکم کرده داد اند ، قمار خانه منصل شده شب و روز و اغلب لا علاج شده و دزدی و غیره مینمایند ، چند فقره مردم خواسته اند که به نایب الحکومه عرض کنند بملاحظه آقا بدر اظهار نکرده اند در تمام دنیا قمار ممنوع بهر قانون ، بخصوص در ممالک اسلام و در کمال آزادی در تسکه جاری است

مکتوب عباسی

اعضاء فاسده زمام استبداد که هنوز مرجع امور مهمه و مصدر مهم دولت هستند همه خیال خود را صرف احداث اغتشاش مینمایند به ملاحظه صرفه چند یکی ابقاء بر مأموریت خود دیگر آلبیس آب و سید ماهی دیگر رجس و پایاه از مشروطیت که خواهان دوره استبداد شوند ، دیگر همراهی با افکار همسایگان که از حمایت و تعارف شایسته بر خوردار گردند همه نقاط وطن گرامی همین احوال و حال را دارند حکومت بنادر از هم قطاران خودم اقتباس کرده فتنه جاشک آشوب جام بهار فساد تنگستان ، اختلافات تسکه ، اختلالات بوشهر ، احتیالات عباسی بر صدق گذتارم دلیل و برهان روشن اند ، فقط بلوک میناب چون در جمع معین التجار و خارج از محوطه اقتدار حکومت بنادر بودند از اینگونه دسایس و اسباب چینی آسوده و راحت بود از آنها هم بترتیب مرقومه سلب رحمت و جلب زحمت کردند

بعد از آنکه جزیره هرموز را اداره گمرکات تصرف نمود معین التجار بوکیل خود مجبور داد که

میناب و قشم را برای هر روز میخواستم موقتاً از آن نقطه صرف نظر کرده تا تکلیف هر روز معین شود وکیل ایشان قشم را اجاره داده لیکن عمل میناب را مسکوت عنه گذاشته و علت آن از شرح آینده روشن میشود. و تلگرافی به امپار بمبوه که همیشه کار گذاران و وکلاء موجود دارند باسم رعیت میناب بطهران و نجف مخبره کردند که بدینگونه نتیجه بخشید و میناب فویض دریایی گردیده و نایب الحکومه عباسی ماور رتیق و قفق امور آنجا شده و در اواخر جادی الاخری با سی نفر جنگی و توب بدون ذخیره طرف میناب حرکت کرده حال آنکه ایصال مالیات آنجا در هیچ سنه و هیچ حال محتاج بسوق استعداد نبوده و نیست از حرکات بعد روشن میشود که اینگونه حرکت برای احداث اعتشاش و تجسم نایب حسین موهومی برای دولت و جلب منافع و ابقاء خود و رضایت یکانکان بود، ما را به مور ضعیف این گمان نبود

علی خان نواده مرحوم احمد شاه خان از خوانین و اعیان و ملاکین معتبر میناب اند و سلاله آنها در این نواح بیوسته مصدر خدمات دولت بوده اند ربیع املاک حاج ابراهیم خان در شمیلات حق حقیق علی خان مزبور است ربیع دیگر را وکیل مذکور بقوه وکالت معین التجار و حایه امین التجار گاداری بقیمت نازل اتباع کرده و ربیع علی خان را هم بدون مبیایه متصرف گردیده شش سال است که علی خان بهر جا تظلم کرده نتیجه نبرده هذمه السنه که امین التجار مرحوم شده و قواء معین التجار هم کاست علی خان املاک خود را تصرف کرده این بود که وکیل مذکور با حکومت بنادر و نایب الحکومه عباسی مفاوضه کرده که علی خان را گرفته حبس کرده و قبایله ربیع املاک را دریافت کنند و وکیل مذکور مبادله با همان امپار جعلی میناب را با حکومت بنادر جمع کرده و علی خان را نایب حسین این حدود قلم دهند تا به حال بیشتر از صد مکتوب و تلگراف بهمین ترتیب مکتوبه و مخبره کرده است که روح کسی از آنها مسبوق نیست بهتر برهان نگارنده مهاجرت اعیان و ملاکین و علماء میناب اند از این سوه حرکات به نجف اشرف و حدود کرمان ، سواد تلگراف تظلم علی خان را

مباید و بر اطلاع خوانندگان میفزاید هرگاه اداره تلگراف خانه مخبره کند و بمرض اولیاء امور رسیده و مظلومی را ظالم ندانند و جیب طمع را از مال ملت بچاره بر و مملو نازند ،

« صورت تلگراف علیحان به طهران »

ریاست مجلس شورا ریاست وزراء وزارت داخله وزارت عدلیه شش سال است شیخ احمد گاداری املاک چاکرا - صباً متصرف هر جا دادخواهی کرده شیخ احمد از قوه مالیه خود و تقویت معین التجار مانع احقاق حق شده حقانیت چاکر و خاصیت غاصب بر همه اهل آنجا روشن است هذمه السنه چاکر املاک موردی متصرفه صد ساله خود را متصرف و به حکومت بنادر و حکومت عباسی معروض داشته که در هر محکمه شرع برای محاکمه حاضرم اعتنا نکردند دفاتر پست و تلگراف شاهد عرض چاکر اند فریب تمول شیخ احمد آنها را از خداوند و عدالت غفلت داده برای تضییع حق چاکر و وسیله راه خرج تراشی چاکر را که رعیتی بش نیستم و در میناب و شمیلات صاحب ضیاع و عقارم بدر بر بدر مشغول خدمات دولت بوده ایم به امپار بمبوه که روح کسی از آنها مسبوق نیست لولو و عاصی و نایب حسین اجمود قرار داده مصباح دیوان نایب الحکومه عباسی را که هم طایفه شیخ احمد اند روانه میناب کردند باسم تعیین کلائر و مباشر برای آنجا بدو ورود تکلیف خدمت گذاری دولت به بنده کرده چاکر هم هزار و پانصد تومان پیشکش داده و مالیات میناب را هم در چهارده هزار تومان قبول نموده و مشغول بظلم حدود آنجا شده روز یکشنبه در موقع صرف نهار بفتناً مصباح جمعیتی فرستاد که بنده را دستگیر کند شش نفر از اجزاء چاکر مقتول ابراهیم خان داماد ضرغام نظام حاکم رودبار که مهان چاکر بود بقتل رسیده و چاکر خود را فراراً به نخلستان خود رسانید و متواری شده بدوا عرض مینماید بنده لیاقت سرکشی و مخالفت امر دولت ندارم مبادا برای خرج تراشی خود بنده را لولوی دولت و ملت قرار دهند تا نایباً استدعا دارم امنیت برای چاکر عطا فرمایند که براحت مشغول

چاکر را مسترد دارند تا آنجا بابت احقاق حق چاکر با شیخ احمد رجوع محاکمه به اداره عدایه فارس یا کرمان فرمایند چونکه در بنادر اداره عدایه مانند سایر ادارات موجود نیست

حبل المتین

ما از حقیقت واقعه میناب شخصاً اطلاعی نداریم ولی نگارنده مکتوب را سال است به بیغرضی و صحیح نویسی می شناسیم نظر بر اینکه خیالات فاسده حکومت کل بنادر را نیکو داشته ایم که خود و من تبع او در اقامت قتنه در هر نقطه که ممکنشان شود کوناهی نمی نمایند تا درجه میتوان گفت که قتنه میناب نیز مانند سایر اقامات اوست ، عجب اینست که اولیای دولت تا وقتیکه یک دفعه خلیج فارس از دستشان نرود عطف توجه نمیزمایند ، دیروز بود که دریا بیگی به عباسی آمده با همین مصباح دیوان که سابق نایب الحکومه او بود و حال هم هست بنای لشکرکشی و زدو خورد را بهاد و او را مجبور به تحصن ساخت چند روزی از این واقعه نگذشت که مجدداً ویرا نایب الحکومه ساخت و قرب این سـ لوک را هم با شجاع المالك سرتیب توپخانه کرد که حالا او را نایب الحکومه بوشهر نموده است

عجب اینست که اولیای دولت در این افعال شنبه در این سرحد معتبر در نظر خارجه و داخله برش نفرمودند که اگر مصباح دیوان و شجاع المالك مقصر بودند چگونه مجدداً آنها را به نایب الحکومگی برقرار داشت و اگر مقصر نبودند این حرکات زشت پلید در این سرحد معتبر چه بود حالا دیگر موقع از چشم پوشی گذشته و خرابی بسرحد کمال رسیده است خوب است اولیای امور اندک توجهی بخلیج فارس که دروازه ایران و بزرگترین مایه احتشام دولت است فرمایند تا وقتیکه دریایی و تابین او در خلیج باشند همین آتش در کاسه خواهد بود ، و نیز علی خان های نوعی را اهمیت داده بدون سبب وجهه یک نفر رعیت را یعنی نسازند و رجوع مرافعه شارا به یکی از محاکم عدایه فرمایند تا حق و ناحق ظاهر گردد

تلگراف طهران به ولایات

(۲ شعبان)

بموم حکام و ایالات نظر باقتضای مصالح مملکتی و استحکام اساس امنیت و اجرای احکام حضرات

آیات الله نجف دامت برکاتهم ، که در خلع سلاح مجاهدین صادر شده بود مطابق رای صادره از مجلس مقدس در چهار روز قبل اعلام عمومی داده شد که تا دو روزه هر کس اسلحه خود را بوزارت جنگ تسلیم نموده قیمت آن را بر تریبی که در کیسیون مخصوص نظامی تعیین نموده و اعلام شده بود دریافت دارد ، و اگر بعد از انقضاء موعده اعلان از اجرای حکم دولت تمرد نمود مقاومت کنند در جزو متدرین محسوب و گرفتار قهر و غضب دولت خواهند شد ، پس از انتشار این اعلان رسمی جمعی از در اطاعت داخل شده اسلحه خود را تسلیم داشتند ، ولی عده کثیری تمرد کرده دیروز را که غره ماه شبان بود در بارک مرحوم امین السلطان سنگر بندی و مقاومت نموده ، از نصایح و تهدیدات دولت که بوسایل مختلفه حق بتوسط نمایندگان مجلس مقدس به آنها ابلاغ شد ، تنبیه نشدند دولت نیز که مکلف با اجرای اوامر صادره رسمی خود بود قوای نظامی را فرمان محاصره و مهاجمه داده بحمدالله در ظرف سه ساعت متدرین کلاً مغلوب و سبند و بجا نقر گرفتار و در نظمیة محبوس و بحمدالله امنیت و آسایش عمومی حاصل است

ایضاً از طهران به ولایات

(۳ شعبان)

نقار و کدورنیکه مابین ارکان و سرداران حاصل شده بود ، حضرات وکلای محترم مجلس مقدس شورای ملی دامت بقائهم سرداران را حاضر کرده اصلاح کردند ، بحمدالله تعالی میتوان گفت که تمام آقایان که بیکر واحد هستند ، همین اعلان مجلس مقدس را که مدیر محترم جریده مجلس نشر کرده ملاحظه خواهند فرمود محض استحضار خاطر مبارک جسارت شد خادم کل تلگراف جلیل

(صورت عهد نامه سرداران)

چون هر فردی از افراد مملکت باید تمام نیت خود را متوجه استقلال مملکت دانسته در همچنین موقع نازکی از تمام خیالات و مقاصد شخصی صرف نظر نموده متفق و یکجمله برای حفظ استقلال ایران و اسلام بکوشند ، امضاء کنندگان بشرايط مواد ذیل بکلام الله مجید قسم یاد مینمایند ، (اول) غرور و اغماض از آئینه که پیش از این در بین خودمان بود و گذشته

استه (قوم) مساعدت با دولت مشروطه در صورت لزوم در دفع مواد فساد و اطاعت صرف از قوانین موضوعه مملکت ، (سیم) تمکین از احکام دولتی از نزع اسلحه از دست کسانیکه اجازه حمل اسلحه ندارند ، (چهارم) موافقت و یکجبهی فیما بین افراد سردارانش و رؤسای ما - (محمد ولی سردار اعظم) (مجتبی صمصام السلطنه) (علیق مختیاری سردار اسعد) (ماقر سالار ملی) (عبدالحسین سردار محی) (ضرغام السلطنه) (غلامحسین سردار محتشم) (ستار سردار ملی)

❦ لارستان ❦

از قرار خبر پست قبل حکومت لارستان با استعداد کامل وارد داراب شده و اترک اطراف هم حاضر شده تمکین نموده اند، راه کالی الساق ما من قافه ایاب و ذهاب نمی نماید. محمدحسن خان بهارلو فعلاً در لار است تا این هفته چه اخباری برسد، مسایگان دایم قاصد های مخفی بطرف لارستان محض اخبار ورود حکومت میفرستند خیلی نظر شائبه بطرف حکومت لارستان است، که چه اقدامات کند، یا چه فتنه تازه برپا شود

❦ سیرجان ❦

زیاد خان بهارلو که از جانب قوام الملک نایب الحکومه سیرجان بود در سیرجان بعد از مداخل زیاد خواست که از میرزا داودخان بولی اخذ نماید یک نفر بهارلو را که خود زیادخان بجهت یک فاحشه بی سکه معشوقه او بود کشته جسد او را در کوچه انداخته شهرت داد که آدم میرزا داود خان کشته و جداً او را در عدلیه کرمان خواستند که استطاق نمایند میرزا داود خان حاضر بود که آن شخص را بفرستد لاکن احتیاط داشت که شاید بدون استطاق او را بهارلو ما بکشند در اینموقع قوام الملک استعفا کرده بفارس رفت زیادخان نیز که در اینمدت از دزدی کرمان و خراسان محروم مانده بود هر روز می شنید از خراسان بهارلو ما مال و شتر زیاد آورده بدون اجازه قوام الملک یا با اجازه شب بی خبر از سیرجان بطرف داراب رفته این اوقات دو پسر خود را با جمعی بهارلو و خوانین آنها قریب دو هزار یا هزار و پانصد نفر بجهت غارت سیرجان فرستاده چرا که در محبت حکومت چه راه چاره دانسته بود -

چون رئیس نظمی در کرمان بجهت مالیات اقطاع و آوردن غنچهلی خان ایل بیگی افشار مأمور اقطاع بود قریب هزار نفر از ایلات بجاقچی نیز با او همراه شده غنچهلی خان نیز جواب داد که من بانی دولت نمی باشم مالیات نزد هرکس هست بگیرم لذا مغایرت آنها بموافقت بدل شده همه بجهت جلوگیری سارقین بهارلو بسیرجان رفته اول مقصد نفر از دزدها که بطرف بارز رفته بودند با آنها جنگ کرده پنج نفر اسیر و شش نفر از دزدها کشته شده فرار کردند ، بعد در سیرجان نیز آنها را شکست داده با توپ آنها را متفرق نموده برادر زاده زیادخان که پسر دزد معروف بیک میرزای غیر مرحوم است گلوله بر بایش خورده مالی که از مکی آباد برده بودم از نحمه گذرانیده دیگر از سیرجان محروم شدند، این طوایف بهارلو که در داراب هستند تا سیاست بزرگ نبینند محال است دست از دزدی بکشند شاید خواننده گان داخله و خارجه تصور نمایند که اینها را ممکن است تربیت کرد، طلقاً ممکن نیست چرا که صدسال است دزدی را کسب خود قرار داده قباح و عیب نمیدانند

نگارنده یکروز در شیراز بودم مرحوم معتقد الدوله فرماد میرزا طالب تراه که از شاهزاده گان عالم دیپلمات ایرانش و حاکم فارس بود در یک روز دو بیست نفر از این سارقین را کشت، اگر دزد از دزدی دست می کشید عقل کل حکم بقطع ید او میفرمود

اولیای امور و حکومت فارس هرگاه خواسته باشند از انقلابات جنوب آسوده شده توپ کوهی با سوار و سرباز کالی از فارس مأمور فرموده از کرمان نیز امر فرمایند توپ و سواره ایلات حرکت کرده یکدفعه این فرقه بی عبرت بی ناموس را که حکم حشرات الارض مودی را دارند از میان برداشته وزن و دختر و پسرهای آنها را اسیر کرده بیاورند در شهرها تربیت نمایند، درس بخوانند، که دیگر طبیعت آنها نجس نشده فقط بسیاست کلانترها و خوانین امنیت حاصل خواهد شد، رؤسای بزرگ آنها از دزدی صاحب دولت شده صاحب ایل و حشم شده خوب است صاحبان اموال خراسان و یزد و کرمان و شهر بابلک را بفرستد تا نشان داده شتر آنها در

ایلی کی میباشد

بهر حال امنیت موفق بدرد نمیخورد ایالت فارس هرگاه خواسته باشد بدون سیاست و اودو کشی فارس را امنیت دهد محال است و عما تریب هزار جور انقلاب برپا خواهند نمود حق حاضرند بهانه بخارجه داده باشند اول چیزی که فریضه ذمه ایالت جلیده فارس است نسیه و سیاست خوانن بهارلو ، سردار جنگ به یک غیرت و همت مردانه با محدودی سوار بختیاری صد نفر اسیر فرموده و الا یکی چشم از رعیت و فلاح و تجارت جنوب باید پوشید بلوچها نیز این اوقات به زماشیر آمده شتری برد. سرباز و سواری که در قلعه و یگان ساخلو میباشد جلوگیری نکرده البته حکومت جدید از سرکرده های آنها که صاحبان القاب و حقوق زیاد میباشد باز پرس خواهد فرمود

انجمن ایالتی کرمان چون جلوگیری از تعدیات ضابط نمیتوانست به نماید و ناظر ظلم و ستم بود انجمن را تعطیل نموده بمركز خبردادند که هر وقت قوانین مشروطیت در کرمان و بلوکات جاری شدند انجمن برای خدمت دولت و ملت حاضر است حکومت کرمان، سردار ظفر هنوز معلوم نیست کی وارد خواهند شد

بعد از اینهمه ظلم و تاراج رعیت امنیت نیز در سرحدات نیست یکفوج سرباز و یانصد نفر سوار کرمان و بلوچستان را امن می نماید انوس می که تمام مالیات را گرفته اول چیزی که باعث حفظ امنیت و آزادی تجارت است که عبارت از قشون باشد در کرمان اسم بی رسم است، محدودی سرباز بجهت خدمت و قراولی خارجه و داخله هست، بجهت ندادن حقوق متحصن بقونسول خانه ها شده و ابداء و وسا عبرت نمیگیرند

مکتوب کرمان

(۲۱ شهر رجب مطابق بحج اسد)

در شماره ۴۶ سال هفدهم نامه مقدس جبل المبین صفحه ۱۴ ستون اول شرحی از مکتوب کرمان بعنوان (گفت شیخا خوب ورد آورده) مرقوم شده بود چون بنظر این بنده بعضی را بی اطلاعاته ندیدم لازم شد که حقیقت را عرض نمایم اولاً تا آنجائیکه شکایت از وضع حکام و ضابط و حالت

حالی بلوچستان نوشته شهادت صدق بلکه باز هم بآب درجه که باید اظهار دارد نکرده اما از آنجائیکه مینویسد رئیس نظمییه وارد شد آنچه اشخاص ضد مجازات دیده آنها را بدون تصویب انجمن و عقلا مسلط بر ناموس ملت کرد

یا اغراض شده یا بی اطلاع بوده زیرا کرمان قبل از ورود رئیس نظمییه باندازه بی نظم بود که شبها از صدای تفنگ در خانه ها خوابیدن ممکن نبود از اوله فریب هم دهنر باهم جرأت نداشتند از کوچه عبور کنند از ساعتی که اداره نظمییه دایر شد هنوز در شب یک صدای تفنگ شنیده نشده و دزدی و نا امنی هم در شهر ظاهر نگردیده و باندازه آحاد و افراد ژاندارم و پلیس منظم و با ترتیب بشکالیف خود رفتار مینمایند که در جنس ایرانی ما فوق آن متصور نیست پس باید امتنان از رئیس و معاون نظمییه حاصل کرد اینکه به بیامات و لواط بی اطلاعاته طبع آنها را منجر نمود در باب هجرت جنابان آقا میرزا اسماعیل و آقا میرزا محمود بعد از آنکه دو نفر آقا زاده گان ایشان کلاه دو سه نفر زردشتی را یاره کرده و آنها را در میان بازار نوهین نموده بودند بعد از نظم حضرات زردشتی و احضار آقا زاده گان و مختصر تعرض و تضمنت زبانی بآنها فوراً حکم به بستن بازار شد و قتل پلیس و ژاندارم مباح گردید، هرگاه چنین اقدامی نمیکردند اولاً صبح آرزو فته بزرگی در شهر حادث میشد ، ثانیاً منان با اساس مشروطیت بود زیرا زردشتیها هم تبعه ابراهیم و در حقوق با مسلمانان برابرند ، چنانچه احکام ایات الله در این باب در بسیاری از جرایم ثبت شده است و اینکه نوشته اند در راه بی احترامی با آقایان شده است اگر چنین بود بعد از ورود جنابان آقا میرزا اسمعیل و آقا میرزا محمود تشکر و امتنان از میرزا عبدالله خان رئیس ژاندارم و پلیس که مامور آقایان بود نمیفرمودند معلوم است که در راه کمال احترام نموده اند اینک مینویسند (هیچ جای دنیا برارزاق خلق مالیات کسی نه بته و دیوارها و دکانهایی مردم را حکم بخریب نه نموده اند) اولاً با عوجاج دیوارها دستی زده نشده است و فی الحقیقه هم اگر بخواهند خراب کنند باید تمام شهر را خراب کرد ولی سکو های بازار آنها را باین ترتیب که هر

میشود اول ربیع الاول اعلانی از اداره بلدیہ ولایتی
 اشاعه شد که از آقایان کبه و صاحبان دکانین
 بازار متنی چنانم سکومائیکه از دو طرف دکانین
 بی اندازه پیش آمده و وسط بازار را برای مابین
 و مزدین تنگ کرده اند بمقتضای اسلامیت بردارد
 و الا اول ربیع الاخر اداره بلدیہ بتکلیف خود رفتار
 مینماید، فوراً جمعی از ومان برستان سکومای جلو
 دکانین خود را خراب کرده سایرین هم که وسعت
 بازار را دیده اقدام کردند، تا اینکه روزی یک نفر
 در میان بازار ایستاده مردم تویخ و سرزنش داد
 که چرا شما با این اندازه ترسو هستید که بیک اتلاف
 سکومای خود را خراب گردید، این کار شما صحیح نبود
 چون عموم اهل بازار مشغول شده بودند دست نکشیده
 و تمام سکوها را برداشتند، فقط طایفه مسگر که در
 یک بازار دکان دارند بواسطه اینکه از کار باز نشوند
 این کار را برای روز جمعه گذاشته بودند، هفت
 شخص بقدری آنها را سرزنش نمود که از خراب
 کردن سکوها صرف نظر نمودند، این بود که باغوا
 او آنها بقونسولخانه انگلیس و روس بناهنده گردیدند
 تا اینکه ایالت از اداره بلدیہ نوشته گرفته بآنها داد
 که سکومای آنها را خراب نخواهند کرد، اینک بازار
 مسگری کرمان یادگار عهد دقیانوس است و برای
 نمایش شایسته استیکه خانها میباشد عیب کار اینست
 که حالا که خود مسگرها هم به خبط و خطای خود
 پی برده اند نمیتوانند خودشان هم سکوها را خراب کنند
 اینک نوشته اند بر افیون و نمک و هیزم و ذغال
 وخت مالیات بسته اند حقیقت امر از این قرار است
 مالیات تریاک متقالی سه شاهی و نمک متقالی یک
 دینار از مرکز، و از مجلس هم گذشته و قانونی
 شده و مالیات هیزم و ذغال فقط باریک یکصد
 دینار فقط بجشای قیابدار است، اما الحصار شیر و ماست
 که مینویسند (الحصار نموده و مجدداً چه شد که بنالها
 اداره نظمیہ را قانع نمودند) عرض میکنم حکایت
 ماست در کرمان مطلب بزرگ است زیرا بنالها در
 یکن شیر دو من لا اقل آب کرده ماست می بستند
 اداره نظمیہ ترتیب داد که شیر آنچه وارد شهر
 میشود در چهار جلیه معین شهر بنالها با اطلاع
 بامور نظمیہ ماست به بندند و بعد خودشان بمیل
 خود برده در دکانین بفروشند چون این قمره

برای بنالها صرفه نداشت دو بیت تومان به نظمیہ
 میدادند که بمیل خود ماست به بندند قبول نشد
 تا اینکه بنالها مردم را تحریک کردند که میخواهند
 مالیات بشیر و ماست به بندند از طرف دیگر
 فرستادند بخارج شهرت دادند که هر کس شیر بیاورد
 بشیر از او مالیات میگیرند دو سه روز ماست یافت
 نشد چون مردم هم بسدا آمدند نظمیہ دست کشیده
 بحال اول گذارد، باز همان آب و همان بشاشه بکار افتاد
 اما از بابت نطف منی یکصد دینار بنویان ارضیه
 میخواستند بگیرند باین معنی که هر چه نطف وارد
 میشود باید در بیرون شهر ابار نمایند و با اندازه
 مصرف شهر هفت هفتقه داخل شهر کنند و چون
 نطف کالی وارد شده و در کاروانسرا ها مخلوط
 مالالتجاره چیده بودند نظمیہ میخواست منی یکصد
 دینار حق الضمانه بگیرد که مواظبت نمایند از
 آتش گرفتن بعد از آنکه بنا شد از کپانی روس
 نگینند آنچه از تجار ایرانی هم گرفته بودند پس
 دادند، شکایات صاحب مکتوب از بی نظمی و
 اغتشاش راهها در صورتیکه هنوز برای کرمان
 اتفاق نیفتاده بود که یکصد سوار بهارلو یکدفعه بخاک
 کرمان وارد شود صحیح بود، ولی نمیدانم چرا اعماض
 مینمایند که در بجم شهر رجب قریب دو هزار
 سوار و پیاده بهارلو وارد خاک سیرجان شدند در
 صورتیکه بیشتر بلدیات نداشتند و حالیه بواسطه حکومت
 زید خان بهارلو در سیرجان همه جا را بلد شدند
 - ابق بر این محرک نداشتند حالیه محرکی مثل
 حضرت اشرف آقایی قوام الملک صلوات الله دارند
 چنانچه چندی قبل قریب با صد سوار فارس به
 اسفندقه تاخته تمام مسی محمد خان سرتاب و سکنه
 اسفندقه را غارت کردند و اغلب را شناخته بودند
 که از همراهان شخص قوام الملک بوده اند، در باب
 غارت محمد خان میتوان گفت مکافات خدائی بوده
 زیرا او هم با مردم حیثیت و عبره همین کار کرده
 باری چون آقای نصره السلطان معاون ایالت بابل
 از وقت برای جلوگیری از تحریکات آقای قوام الملک
 اردوئی بسر کرده کی آقای میرزا حسین خان مجاهد
 رئیس نظمیة کرمان و آقای مرآت السلطنه بدر آقای
 سردار نصرت بسنت اقطاع افشار فرستاده بودند
 بمجرد رسیدن بهارلو بسیرجان و خبر شدن

نظمیه یلفار کرده به سر سواران بهارلو و فارس هجوم کرده دو سه جنگ امیرانه نموده تقریباً سی چهل نفر از سارقین کشته و متجاوز از یکصد نفر مجروح هشت نفر گرفتار نموده و آنچه غارت کرده بودند پس گرفتند این بنده کرمانی نیستم و در هیچیک از ادارات مستخدم نمیباشم چون دیدم صاحب مکتوب قدری تند رفته و صحیف نامه مقدس را بر کرده و از آنجائیکه اطلاع کامل داشتم عرض کردم ، نمیدانم چرا صاحب مکتوب نینویسد از روزیکه این هیئت روساء وارد شده اند آثار مشروطیت در کرمان بیدار گردیده چنانچه یک مطبوعه سنکی هم وارد کرده و مطبوعه حروف هم از اداره جهایان بمبئی هم طلبیده اند قرائت خانه عمومی دایر کردند مدرسه دانش تاسیس کردند تربیت مدرسه شبانه روزی همت ایشان است که در شرف تاسیس است مدرسه ناهوس برای دختران از سی و کوش ایشان است و نیز مدرسه صفا در قریه ماهان و مدرسه کریمیه در قریه دیگر تمام از هم عاایه آقای نصرت السلطان و اقدامات مجدانه آقای میرزا غلامعلیخان نماینده معارف است و تقریباً نصف امانه این مبانی خیریه را از کیسه خود داده اند در نمره اول سال هجدهم صفحه آخر در معرفی امین الملک ، مقول شرحی نوشته شده بود چون سهو فرموده اند لازم شد که معرفی نماید ، امیر الملک اسمش محمد حسن خان پسر سلطانعلیخان که بدر و پسر در تبریز جزو نوکر های شخص مرحوم مظفرالدین شاه و در دفتر مالیه تبریز مشغول خدمت بودند بعد از ورود مرحوم مظفرالدین شاه بطهران بدر وزیر بقایا و پسر امین بقایا شدند ، بعد از چندی بدر ، وزیر افخم و پسر وزیر بقایا در عهد محمدعلی میرزا بدر وزیر داخله و پسر وزیر افخم پس از چندی بدر وزیر دربار گردید چون لقب وزارت موقوف بود مشارالیه امین الملک و رئیس پست خانه بودند (امضا علی زاده تبریزی)

نگارش یکنفر ایرانی از شمله

بنده شیرازی و از آنروز که شیرازه امن و اساس شیراز بلکه تمام ایران از هم باشید محض سلامت جانش و مال و دین خود از ایران بجلاء وطن اختیار نموده در قتل خیال هندوستان بسر

میرم ولی از آنجائیکه حب وطن فطری و جلی هم انسان است بالکلیه غافل از حال ایران و ایرانیان نیستم در این چند سال دایماً گوش بزنگ منتظر بهبودی حال ایران و ایرانیان بودم که شاید بتوانم باز بوطن عزیز خود برگردم ولی مردم از این باغ بری میرسد ، غرضم لغاطی و نه حکمت بودازی نیست اگرچه روزنامه مقدس الحق هیچ نکته را که اصلح بحال ایران باشد فروگذار نمی کند اما گوش سخن شنو کجا آنچه را که بنده بعد از بیست سال سیاحت خارجه فهمیدم فعلاً برخی از آن را اظهار و قدری درد دل خود را کم میکنم ، خرابی ایران از دو سبب است اول از بزرگان و روسای خود خواه خود بین عاقبت بیاندیش ایران است گمان میکنند که اگر خارجه خدای نخواستہ بر ایران مسلط بشود مال و عرض و جان شان محفوظ می ماند ولی این خیال غلط است زیرا که اگر دشمن فعلاً با آنها استمالت و ملاحظه بکند البته احقاد و اعقاب آنها را معرض هراس با ملائمت شرعی و عرفی خواهد کرد چنانکه حال امرای مفتوحه عالم شاهد و گواه بر صدق این مدعاست همسایگان از صد و پنجاه سال است که سعی در تطاول به ایرانند فعلاً اسباب پیشرفت بر ایشان پیش آمده کم کم دستشان بذیل عنت پاره رسیده است تا بعد چه شود حاشا بغیرت ایرانی ها که دولت چند هزار ساله را بنحیالات واهی بر باد بدهند و این ننگ و عار را تا دامنه قیامت بر خود به پسندند سبهارین اسعدین چون فهمیدند که کار ایران بغیر قرض نمیگذرد و داخله هم بواسطه اغتشاش فعلیه قدرت و همت و جراب قرض دادن بدولت ندارند و کسی دگر هم در میدان نیست که از او استقراض شود ، لابد ملت مجبور است که از دو همسایه محیب خیرخواه قرض بگیرد و استقراض از این دو در حقیقت تقسیم ایران است بدو حصه شمالاً و جنوباً لهذا خود را دور کشیده و دور اندیشی نموده که خود را محل و معرض ذماتیم و مذمتهای تاریخی نسازند و اسباب مزید تهدید شمال و جنوب را فراهم نیارند تا نایاً رؤسای روحانین تا کی باید صبر کنند الان لشکر کفر از سرحد مسلمین تجاوز نموده رفته رفته مداخله در مال و جان و عرض مسلمین مینمایند اگر واقعاً خیرخواه دولت و

جست هستند و خود را حیره و مواجب خوار خارجه
 نمیدانند دو که اعلان نوشته بایران فرستند (الان
 لشکر کفر از سرحد مسلمین تجاوز نموده و بر همه
 مسلمین خاصه اهل ایران لازم است که مستعد دفاع
 باشند) هیچ چیز لشکر روس را از ایران
 بیرون نمیکند مگر همین، و هیچ چیز اهل ایران را
 از خواب غفلت بیدار نمی کند مگر همین .
 هیچ چیز ایرانیان را غیور و جسور نمی سازد
 مگر این فخره، اگر این نکته هم بکار رفت و بازم
 ایرانیان بحالت سابقه باقی ماندند چهار تکبیر
 بر ایران و ایرانیان باید زد و منتظر ظهور امام زمان
 عجل الله فرجه باید شد

(میرزا محمد حسن شیرازی)

مسافرت امپراطور روس در آلمان

امروز حل عمده مشاغل سیاسی بیشتر در ملاقاتهای
 رسمی و غیر رسمی امپراطوران عظیم الشان و وزرای
 یا سیاست دول میشود. چنانچه در این دو سه ساله اخیر
 بخوبی مشهود گردید و ملاقات اعلیحضرت ادورد
 هفتم متوفی در (ربووال) با امپراطور روس و مسافرت
 (مسیو اسوالسکی) وزیر خارجه روس در لندن و
 امثال آن چه نتایج عظیمه سیاسی و چه انقلابات
 بزرگ در آسیای وسطی و شبه جزیره بالکان
 رو داد .

اگرچه این مسافرت امپراطور روس در آلمان
 غیر رسمی و به اسم علاج امپراطریس ظاهر گردیده
 ولی باز هم نمی توان هیچ گونه ترتب اثر سیاسی
 بر این مسافرت نه نمود .

واضح است که امروزه دولتهای انگلیس و آلمان
 چه در آسیا و چه در اروپا چه در سیاست و چه
 در تجارت دو بهلوان برومند و دو رقیب بزرگ اند
 نظر بر اینکه مداخلتهای اقتصادی و سیاسی دولت
 روس در آسیای صغیر و در شرق عقبه بر سر
 دول خاصه در وسط آسیا دارد هر یک از دو رقیب
 منافع سیاسی و اقتصادی خود را منوط با اتحاد با
 دولت روس دانسته و از این رو بگان بگانه
 در میلان دادن روس با اتحاد و ائتلاف خود مجاهدات کایه
 می نمایند و بنا بظاهر انگلیسان در این مقصود پیش
 دستی نموده باینکه روس را در حلقه ائتلاف خود
 کشیده اند ولی امروز دانان سیاست چنان می پندارند

که اتحاد روس با انگلیس مبنی بر مساعدات مالی
 انگلیس بر روس است ورنه بالاساله دولت روس هیچ
 وجه مائل با اتحاد انگلیس نیست. و مشرب روسیان
 نسبت با آلمان نزدیکتر و منافع شان در اتحاد با آلمانیان
 بیشتر متصور است. و همینکه مستغنی از مدد مالی
 انگلیس گردد و با انگلیسان تعلل در خواہشات
 روس بنمایند خواه خواه دیر یا زود روسیه دست
 اتحاد با آلمان خواهد داد.

چنانچه چهار سال قبل از اتحاد روس و انگلیس
 حبل المتین پیش آمد این ائتلاف را موضوع بحث
 قرار داده و نتایج و خبیثه آن اتحاد را با ایران
 آشکارا بیان کرد. حالا نیز که اتحاد روس را با
 آلمان چندان بعید از قیاس نمی پنداریم انبای وطن
 محبوب خود را متوجه ساخته که در نتیجه اتحاد
 آلمان و روس در ماده ایران غور و قامل نمایند و
 بگانه طریق جاب منافع خویش را دانسته
 بموقع خود تعقیب کنند، مسلم است که
 ائتلاف روس با آلمان علناً ضد منافع انگلیس در
 آسیا است در این صورت دولت انگلیس در حفظ
 منافع آسیائی خود مجبور در همراهی و تقویت بایران
 و اتحاد ما اوست در این حال همان اوضاع رقابت صد
 ساله دولتهای در ایران تجدید خواهد شد و هرگاه
 ایرانیان از مقتضیات سیاست واقف باشند ممکن است
 در این مباحه منافع عظیمه از طرفین حاصل نموده
 استقلال خویش را حفظ نمایند .

دولت آلمان چون امروزه اقوی از روس میباشد
 خارج از امکان است که در اتحاد با روس از منافع
 اقتصادی و سیاسی خود در آسیای وسطی صرف
 نظر نماید، مفتاح منافع سیاسی و اقتصادی آلمان در
 کلیه شرق همانا ازدیاد نفوذ او در ایران است. از
 این رو متصور بست که دولت آلمان در اتحاد
 با روس رضا دهد که روس نقشه تقیبات
 جغرافیائی را که با انگلیس در ایران نموده اند تعقیب
 نماید، چه اگر بچنین امری رضا دهد گویا مفتاح
 پیشرفت مقاصد سیاسی و اقتصادی خود را در آسیا
 از دست داده است از این رو می توان گفت که
 اولین شرط اتحاد آلمان با روس همانا ترك تجاوزات
 او در ایران تواند بود و منافع روس از اتحاد با

آلمان در سایر مسائل سیاسی خیلی متصور است که منجمله اطمینان از اشتعالات سری و علی آلمان در (نلند و بولند) که عنقریب مانند کوه آتش فشان دهن واز کرده شراره اش تمام روسیه را احاطه خواهد نمود و با این حال ضیف و ورشکنسگی که امروزه روسهارا احاطه نموده بزرگترین منافع او از اتحاد با آلمان همین نکته تواند بود. واقفان رموز می دانند که هرگاه آلمان با این اتصالات سرحدی و انقلابات درونی روس از اتحاد با او مایوس شود یا آت مسلك زبر زیراة مسكه دارند دمار از روزگار روس بیرون آورده بیش از منافع موهومیکه از اتحاد بانگلیس حاصل تواند نمود زیانات حتی خواهد برد، ایست که عقیده بسیاری از سیاسیون چنان است که دولت روس خواه نخواه ناچار است دست اتحاد با آلمان داده ترك ائتلاف انگلیس گوید از این بیانات بخوبی ظسام گردید که در صورت وقوع اتحاد روس و آلمان از دو طرف منافع برای ایران متصور است ولی جلب آن منوط بدانش و سیاست ایرانیان است

پس بعقیده دامایان ایرانیان راست که در هر صورت چشم از همراهی آلمان نه بندند که علی ای محوکان منافع ایران در ائتلاف با آلمان متصور است و زیاد نمودن منافع آلمان در طریق اقتصادی و سیاسی باید قومی باشد که بمحقوق همسایگان دیگر هم بر نخورد و اسباب یأس و بهاه بدست شان نیاید و غرض اصلی شان از دوستی با آلمان همانا تشکیل يك هیئت رقابتی موقتی باشد مسكه مقدمه حیات استقلالی ایران تواند گردید

مسلك ایرانیان فعلاً باید حفظ استقلال خودشان باشد و پس ولو آن استقلال در سایه دوستی روس وانگلیس میسر شود یا در بر تو ائتلاف عثمانی و آلمان ایرانیان جمیع بیگانگانرا باید يك بدانند و در هر طرف مسكه منافع سیاسی خودرا ملاحظه کنند متماثل گردند .

ایرانیان هرگز نباید تصور کنند که دو مسلك سیاست فرقی بین روس انگلیس و آلمان باشد تمام آنها در يك مدرسه دیپلوماتی درس خوانده و هرگاه آلمان هم بمقام امروزه روس و انگلیس بود همان چیزی را که امروزه ازین دو می بینیم بلکه با زیاده از او

میدیدیم، کسانیکه امروزه ائتلاف آلمان را ترجیح بر آن در همایه میدهند وتوصیه می نمایند که منافع آلمان را در ایران باید زیاد کرد به آن لحاظ است که تاوقت که آلمان در ایران مقام امروزه روس و انگلیس را حاصل نماید سی سال طول زمان دارد ممکن است درین مدت ما بتوانیم بیاییم خود ایستاده خویشتن را از شر همه محفوظ داریم . و مقتضی سیاست امروزه ایران همین است، چه نجات ایران امروزه منحصر به تشکیل بلکه خلقت يك همچو رقابت است ورنه آن بآن وساعت بساعت همسایگان از ضعف ما فائده برگرفته خواهند گذارد که بهای استقلال خود بایستیم ولی در هر حال ایرانی باید اعتماد بخود نماید نه بخارجیه ، بیاییم خود بایستند نه بصای دیگران

تلاکرافات

(۱۵ شعبان - ۲۱ آگست)

§ دیروز اعلیحضرت امپراطور روس هیئت را انتخاب و در استقبال (لارڈ رابرت) که برای اعلام تخت نشینی اعلیحضرت (جارج) آمده فرستادند § در محالک روسیه هفته ماضی (۷۰۰۰) نفر بمرض وبا مبتلا و (۲۰۰۰) هلاک شدند دولتین (اسپانیا و فرانسه) با دولت ایتالیا برای ورود جہازات از بنادر روسیه تدارکات سخت نموده اند

§ اعلیحضرت امپراطور آلمان بمعبیت خانواده سلطنتی و رئیس الوزرا و سایر امانا افتتاح قصر جدید (لوهن) را نمودند، ضمن نطق خود امپراطور اظهار داشت که این قصر مرکز تهذیب و اخلاق حسنه ملت آلمان خواهد شد

§ مخبر (روتر) از (صوفیا) خبر میدهد که بابعالی بحکومت (بلغار) اطلاع داده که در (مقدونیا) به متجاوزین محقوق منرووران (بلغاریا) سزا داده شده و فعلاً بدون هیچ زحقی منروورین در (مقدونیا) میتوانند رجعت نمایند

§ اعلیحضرت الفنسو وزوجه محترمه شان از اسپانیا رهسپار پاریس شدند

(۱۷ شعبان - ۲۳ آگست)

§ مخبر (روتر) از اسلامبول خبر میدهد که در آسیای ترکی زلزله شدیدی شده مسلمانان مشغول قربانی دادن و مناجات هستند

§ مخبر (روتر) از (تانجیر) خبر میدهد که از اشتهار این خبر که امریکا (انبرا) را که جیل موسی نیز شامل اوست از مراکشی ها خریداری نموده بریشانی در قلوب اعیان سلطنت اسپانیا راه یافته چه ایجاب نماید (جیل طارقی) اهمیت سیاسی دارد از این قبیل خرید و فروشهای سیاسی مدتهاست بوقوع رسیده بود . از شروع این خبر مخصوصاً در (اسپانیا) مردم زیاد منتشرالحواسند زیرا از این خرید و فروش سدا بواب تجاوزات دولت (اسپانیا) بر (مراکو) خواهد شد . بموجب خبر تازه شخصی از اعراب که در امریکا سکونت دارد در (انبرا) در تدارک خریدن دو قطعه زمین کوچک دیگر هم هست

(۱۸ شعبان - ۲۴ آگست)

§ مخبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که عهدنامه که بموجب آن دولت ژاپون (کوریا) را ملحق می نماید امضا و ۳۰ آگست اشاعه یافته § وقایع نگار (طمس) از پترسبرگ خبر میدهد که (مستر مونتونو) امروز در اداره خارجه آمده عهدنامه ژاپون و کوریا را اشاعه نمود و تذکره الحاق (کوریا) را کرده اظهار داشت که دولت روس بر این امر عذری نخواهد کرد ولی این کار برای ژاپون فضول است

§ مخبر (روتر) را خبر رسیده که دولت ژاپون را در اظهار خیالات پلنگی خود من باب الحاق کوریا عذری نیست ولی تبدیل و تغییر که در تجارت از این امر واقع خواهد شد عور می باید ، و این وقت بر مسئله تجارتی هیچ بحث نتوان نمود تا اینکه حالات تفصیلی الحاق کوریا اشاعه شود

(۱۹ شعبان - ۲۵ آگست)

§ جریده (دیلی بیوز) را عقیده ایست که الحاق (کوریا) خیلی اهمیت دارد چه همین گفته ابواب متوحات را به روی ژاپون متوح خواهد داشت . (مارنگ بست) مینویسد که دولت ژاپون از سایر دول در این امر مشوره صکرده متکثیل حفظ اعراض شان گردیده است

§ (دیلی بیلی) را عقیده ایست که به لحاظ پلنگی دولت انگلیس و عذری در الحاق کوریا به ژاپون

نخواهد بود مشروط بر اینکه دو عهدنامه ذمه داری از حفظ اغراض تجارتی به شود (۲۰ شعبان - ۲۶ آگست)

§ در هنگامیکه آلمانیان من باب گرفتاری دو جاسوس انگلیس شور و عوغا می نمودند یک جاسوس آلمانی را در (وردن) یکی از افسران فرانسه گرفتار کرده که عکس قلعه را می گرفت

(۲۱ شعبان - ۲۷ آگست)

§ اداره بلدیة (بغداد) دو بیست هزار لیرا جبهه آراستگی شهر از بیگ ملی عثمانی قرض خواسته است (۲۲ شعبان - ۲۸ آگست)

§ از گرفتاری دو جاسوس انگلیس موسی (برادن) و تبرج (در آلمان اعالی مضطرب اند این واقعه را از مهات سیاسی تصور می نمایند

§ بموجب خبر اسلامبول دولت انگلیس به وزیر بحری عثمانی اظهار داشته که دو فروند جهاز جنگی انگلیسی برای فروش موجود است که از دسته بحری انگلیس جدا نموده خواهد شد ، وزیر عثمانی جواب داده که دولت عثمانیه از این وبعد جهازات کار کرده را نخواهد خرید و جهازات نو ساخت تعمیر خواهد نمود

§ مخبر (روتر) از اسلامبول خبر میدهد که اعضای پارلمان یونان به شیخ الاسلام عرضداشتی م و ل بش کرده اند که در ضمن آن از اصول انتحانات شکایت نموده اند که از مسلمانان خیلی طرفداری می شود و خواهش می کنند که مساک مساوات اختیار شود شیخ الاسلام جواب داده که عیسائی و مسلمان بنظر قانون یکی میباشند و تدارک خواهد کرد که رفع این مغایرت شود و این عرضداشت را در مجلس وزراء تقدیم خواهد نمود

(۲۴ شعبان - ۳۱ آگست)

§ مخبر (روتر) از اسلامبول خبر میدهد که مابعلی خلی به دول محافظت کربیت نوشته و سؤال کرده از اینکه دول محافظت از این حرکت زشتی که اهالی کربیت را در پارلمان یونان منتخب نموده اند از حکومت یونان چه باز خواست خواهند نمود

§ اعلیحضرت امپراطور و امپراطریس روس بحضرت خاندان سلطنتی وارد قلعه (فریدبرگ) و در مقام

(نوهیم) امپراطور موصوف برای سیر دریا خواهند رفت

(۲۵ شعبان - ۲۱ اگست)

پا مخبر (روتر) خبر میدهد که مجدد ترك استعمال امتعه یونان در عنانی شروع شده در (اسکوتاری) بردکاین یونانیان اعلان جنبانیده شده که هیچکس از آن فکاکین جنس خرید نکند

§ وسیله مضمونی در (این) اشاعه یافته که وکلاء تماماً هوادار دولت مشروطه و سلطانند

(۲۵ شعبان - ۲۱ آگست)

§ مخبر (روتر) از (واشنگتن) خبر میدهد که عهدنامه الحاق (کوریا) شایع گردید - در آن نوشته شده که امپراطور (کوریه) حقوق امپراطوری خود را به امپراطور ژاپون تفویض میدارد و تعرفه محریه گمرکات تا ده سال جاری خواهد بود

پا بموجب عهدنامه (کوریا) بندر (ماسام نو) بند - و بندر (شینوی فا) مفتوح خواهد شد

§ جیب عهد نامجالت (کوریا) با دول خارجه منسوخ و رجوع به ژاپون گردید

§ اهالی خارجه را در (کوریا) همان حقوق حاصل خواهد بود که اکنون در ژاپون حاصل است ، خانواده شاهی (کوریا) را وظایف و خطابات داده خواهد شد و اهالی وفادار (کوریا) را دولت ژاپون عهده های ملکی اعطا خواهد کرد

پا مخبر (روتر) از (سیول) خبر میدهد که شه مخلوع (کوریا) حکمی جاری کرده که چون اصلاحات لازمه در (کوریا) غیر ممکن بود از این رو کلیه امور را به اغبار سپرد نمود و رعایا باید تسلیم شوند این حکم را بعد از اعلان الحاق کوریا داد حکومت تازه ژاپون در کوریا مجرمین خفینه را آزاد و بقایای مالیات را معاف نمود و (۱۷۰۰۰۰۰) لیرا تک برای تعمیر شفاخانه و غیره وعده کرده است اهالی ساکت و مسرور اند

§ وقایع نگار (دبی تلگراف) از (پترزبرگ) می نویسد که چهار فروند جهازات جنگی از قبیل (دریدمان) در (نیکولی اف) و (سیاستبول) برای

حفظ بنادر بحر اسود دولت روس خواهد ساخت و آنها هر يك دارای ۲۳۰۰۰ طن خواهند بود

(۲۶ شعبان - ۲ ستمبر)

پا مخبر (روتر) اطلاع یافته که اهالی کریت که در مجلس ملی یونان متدب شده بودند استعفاء دادند - لذا اکنون بین یونان و عنانی بیچ نوع کدرونی باقی نمانده

« خلاصه ترجمه اخبارات خارجه »

(راجع ایران)

مارنگ پست می نویسد که شش نفر مستشار عالیه از فرانسه و شش نفر هم برای ترقی صوبجات و چهار ایتالائی و دو سویی برایی سر شاری و تربیب ژندرامی و دو نفر مصری برای عدلیه طلب شده است وزیر جنگ اطمینان بمجلس داده است که بزودی صورت مستشار های نظامی را پیش نماید

استدود مینویسد که وزراء جدید ایران برای اصلاحات کامل حاضر شده اند و بدون پول اصلاح ممکن نیست و با حال کنونی ایران تحصیل قرضه داخلی طول دارد بعید نیست که قرضه خارجی را موضوع بحث قرار دهند

اخبار (دی نشن) مینویسد گفتگوی استقراض ایران از ادارات رسمی با رئیس صرافان درپیش است آلمان و فرانس و انگلیس همه از آن حه خواهند گرفت ازین استقراض سایر قروض ایران داده خواهد شد و شروع بکشیدن راه آهن هم خواهند نمود

طمس از استقلال ایران نقل می نماید که دولت مجد در امنیت جنوب شده مایوس از سپردن راه ها بخوانین و غیره گردیده لذا مصمم است که با قوه قاهره راه های مملکت خاصه جنوب را امن نماید

طمس مینویسد که قتی زاده با منتهای اهت و اجلال وارد تبریز گردید اهالی تبریز از واقعه باقر خان و ستار خان ساکت اند و علت هم همانا ورود قتی زاده است که بزرگترین حامی حکومت عالیه است

است

حلی الثبیت کلکتہ

دفعہ حق الخدایہ بدون قبض ندارد و توفیق که
(مفترقین را قبض مخصوص سال هجری ۱۳۲۸ است)

مدیکل کالج امپریٹ نمبر ۴

HABLU MATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA.

قیمت اشتراک

سالانہ — شش ماہ

هند و برمه

۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ

ایران و افغانستان

۴۰ قران — ۲۰ قران

عقباتی و مصر

۵ بجیدی — ۳ بجیدی

اروپا و چین

۳۰ فرنک — ۱۶ فرانک

روس و ترکستان

۱۰ منات — ۶ منات

نامہ مقدسہ

المبتدع

سنہ ۱۳۱۱

مراملات مخصوصی بدون امضای

(معروف اداره درج نمیشود)

کلیہ امور ادارہ با

مدیر کل مؤید الاسلام است

ہر دوشنبہ طبع

و ہفتہ روزیہ توزیع میشود

۷۰۰ شنبہ

۷ رمضان المبارک ۱۳۲۸ ہجری

مصادف با

۱۲ ستمبر ۱۹۱۰ میلادی

در این مجلہ از ہرگونہ اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود

مقالات عام المنفعہ مقبول و در انتشارش ادارہ آراست

اوضاع کنونی ایران

بعد از خرابی بصرہ و تخریبات ایام گذشتہ اینک چند نکته دارد بر ایرانیان غفلت زدہ آشکار می گردد اول - بخوبی معلوم نمودند کہ در سیاست اعتماد نشاید و در بلتیک اعتبار باحدی باید کرد یکی از ایرانیان می نویسد "مضار اعتمادات چہار سالہ ایرانیان بدوست نمایان کتر از ضرر روسیان بایران تصور نمیشود. چہ اگر ایرانیان با اعتماد و اعتبار انگلیسان نبود تا این درجہ سکوت و سموت اختیار نہ نموده نمی گذاردند کہ روسیان تا این پایہ تجاوز نموده در داخلہ مملکت شان بدخالتہای علی بردازندہ و قوای آنانرا رقتہ رقتہ مضحک سازند. بل اعتماد ایرانیان را باین خطرات عظیم دوچار نموده

دوم - دانستند کہ مواعید عرقوبی ارباب بلتیک و وعدہ های پیشخولی سیاسیون بالاختر بوقع ایفا نیاید. چنانچہ یک و نیم سال است دولت روس با ہم حفظ و طایا و امنیت قشون در ایران وارد نموده و مواعید و اعلانات رسمی و غیر رسمی بدون هیچ شرط اخراج قشون خود را ایقان ندادہ و ایرانیان کم تجربہ را بغفلت انداختہ تا کم از این سر تا آن سر مملکت شانرا در تحت نفوذ مسلحہ خویش در آورده لطف ایجا است کہ نہ تنها روسیان این مواعید را با دادند بلکہ مکرر وزارت خارجہ انگلیس در پارلمان

انگلستان ہم ایضای دولت روس را بمواعید خود ایقان داد. حالا کہ نظر می کنیم می بینیم بل مان آن طرف آب و از آن ہم مواعید رسمی و غیر رسمی اتوی نہ. بالاتر از ہمہ نمایندگان روس با کمال جدیت سعی اند کہ بہانہ برای قیام دائمی قشون خود و ازدیاد آن در ایران بدست آرند. و در پیشرفت این مقصود از ارتکاب هیچ گونه شایع باز نیامدہ گویا هیچ وعدہ اخراج قشون خود را نہ کرده اند

سوم دانستند فقط استقلال ایران در سایہ استقامت ایرانیان قائم تواند ماند. و آنچه دعوی ہر امری و معنی نوع خواهی در حق ایشان دیگران نموده مبنی بر این بود کہ آنها را در خواب غفلت انداختہ بلکہ از این نمد کلامی ہم برای خود حاصل نمایند. چنانچہ اقدامات مسابکان دیگر در سرحدات ایران در این موقع نازک کہ ایرانیان از ہر سو گرفتار فنارهای گوناگون داخلی و خارجی اند این نکته را آشکارا میدارد چہ ارم فہمیدند کہ معنی نزاکت سیاسی برای یک دولت و ملت ضعیف در مقابل ہمایکات قوی عبارت از آن است کہ در برابر ہرگونہ تجاوزات غیر مشروع آنان سر تسلیم خم نموده صدا بیرون نیاورند و اگر بزبان ہم باشد دعوی حتی در مقابل آنان کنند. خارج از نزاکت وقتاوت نموده و بیرون از دوستی حرکت کرده اند. چنانچہ یاد داشتی کہ

دولتین انگلیس و روس در مسئله اعطای امتیازات بخارجه که بدولت ایران پیش نموده بصراحت اظهار داشته‌اند، «مرگام دولت ایران جواب این یاد داشت را ندهد و یا مخالف مرضی دولتین جواب گوید دولتین روس و انگلیس رفتار دولت ایران را نسبت بخود دوستانه نخواهند دانست» معنی این عبارت با کمال سادگی و بی ساحتگی اینست که اگر ایرانیان مدعی استقلال حقوق آزادی شوند و بخوانند مانند دول مستقله آزاد امتیازی بخارجه دهند ما دوستانه دور نه نموده آنها را در فشار خواهیم آورد، یعنی دوستی ما عبارت از ترك گفتن استقلال و انداختن طوق عبودیت ما بگردن است. بنجم معلوم نمودند که دعوی نوع برستی و تمدن خواهی غالب اروپائیان که تکیه کلام دیاسپون اروپاست نسبت بشرقیان تمام بی اصل و اگر برای عفت مردمان تازه بیدار شده نباشد قطعاً برای خوشنای خود و يك گونه لغالی است، چرا که دو سالوادی است که يك حزبی در غالب ممالک اروپا خاصه در انگلستان با کمال شدت و سختی و جدیت در حایه حقوق استقلالیه و ضد دسائس و تجاوزات روس بحث می نمایند، آیا هیچ بحال ایرانیان مفید واقع گردیده؟ آیا دولت روس از تجاوزات خویش چشم پوشیده است؟ آیا این همه عیاهو ها در پارلمان و جراند انگلستان و غیره وزارت خارجه انگلیس را از اتحاد و همراهی و تأیید روسیان باز داشته است؟ هرگز هرگز، چه جز قلیل از آنها که در جنب دیگران هیچ اهمیتی ندارد، قصدی جز لغالی نداشته اند و این لغالی هم مبنی بر بلیتیک بوده است تا سایر شکارانیکه قصد نخجیرش را دارند قبل از وقت «رمیده یکدفعه و حتی نشود»

ششم ظاهر شد که علائم دوستی يك دولت ضعیف در مقابل همسایگان قوی سر تسلیم در خواہشات آنها خم نمودن و هر گونه امتیازی که بخوانند بآنها دادن است، دلیل این هانا خواهشی است که دولت روس باسم ابراز علائم دوستی ایران در اخراج قشون خود منباب کار کردن در معادن مس (قراچه داغ) و امتیاز (اوتوموبیل) رای پیر رشت و طهران نموده است، و حالانکه قبول هر يك از این خواہشات باندازه مضار اقتصادی و سیاسی برای ایران دارد که هرگاه تن در دهد در آتیه بحفظ استقلال خود مشکل است نائل آید و در چنین موقع نازک اگر ایرانیان در ابراز علائم دوستی بخواہشات روس رفتار نمایند در

حقیقت بدون گرفتن قرضه غالب شرائط استقلال و بران کنی را سکه دولتین دو ضمن شروط استقراض می خواستند با ایرانیان ببولانند مبتلا خواهند شد، چه علاوه بر اینکه مانند آن امتیازاتیکه در شمال روسیان داده شود در جنوب انگلیس هم حاصل خواهند نمود، و نیز همینکه دولت حریص روس دانست که باین گونه فشار های غیر قانونی موفقی می تواند از ایرانیان حقوق قانونی دائمی حاصل کند بر فرض هم که قشون خود را خارج نماید فردا به يك بهانه دیگر مجدداً با ایران تاخته همینکه اخراج شانرا بخوایم باز هم ابراز علائم دوستی یعنی خواهش بعض حقوق خواهد نمود، و این سلسله تا بقای يك وجب خاک و يك ذره حقوق استقلالیه کشیده خواهد شد و به تدریج هر يك از همسایگان در منطقه نفوذ خود از روی تقسیمات جغرافیائی معاهده اتحادیه دارای حقوق استملاکي گردیده یکمرتبه اعلان الحاق جنوب و شمال مملکت ما را خواهند داد، چنانچه دولت متمدنه جدید ژاپون با ابراموری (کوریا) نمود در این حال

(ما را چه باید کرد)

پیش آمد کنونی با صدای بلند و علائم بینة سیاسی با ایرانیان می نماید « اگر حب استقلال دارید، اگر از عبودیت و بندگی اسپار رو گردانید اگر حب دیانت دارید، اگر عصمت می شناسید اگر می خواهید در ملل حیه عالم بشمار آید؟ باید مواد ذیل را یابند شوید »

(۱) جمیع طبقات ایران بدون ملاحظه مذهب و جنس و تباین مسلک از هر طبقه و صنف در این موقع نازک که استقلال و وطنشان در محاضره است باید ولو موقتا باشد از نزاعهای خانگی و اختلافات فروعی و تباینات مذهبی و مسلکی چشم پوشیده دست اتحاد بیکدیگر داده در حفظ استقلال و وطن مسلک خود را يك قرار دهند چه آنچه بر سر ایرانیان آورده هانا اختلافات بی معنی و یارتی بازیهای بی مسلک است اگر امروزه ایرانیان در راه استقلال و وطن محبوب خود دست اتحاد بیکدیگر دهند با این شکستگی و بی اسبابی هیچ قوه قویه و هیچ دولت مقتدوری بر آنان چیره نتواند شد و مانند (ترانسوالپان) بر فرض شکست هم شاهد فتح را در آغوش کشیده و محبوبه استقلال و آزادی را باغیبار خواهند سپرد و نام بلند تاریخی در جمیع ملل و دول حاصل خواهند کرد (۲) ایرانیان راست که در اخراج قشون بیگانه

از وطن محبوب خود تنها بشار دولت اکتفا نه نموده با هیجان مقدس حریت خواهانه حقوق طلبانه با ملاحظات اطراف کارخانه بدواً به ترك استعمال امتعه روس پردازند که امروزه در جمیع ملل حیه اولین مدافعه حقوقی هانا ترك استعمال امتعه دولت و ملت متجاوز است و هرگاه ایرانیان در این مسئله اهم اتفاق نموده و مداومت نمایند نه تنها سائر متجاوزین بمقوق آنها مرعوب شده پیش پای خود می نشینند بلکه همان ارباب فابریک و تجار روسیه چنان بصدا آمده و جلوگیری از اجحافات دولت خود ح. امد نمود که اثراتش زائد بر يك اردوی قوی باشد و نیز نقصان این امر یعنی ترك استعمال امتعه روس بهمان اندازه حکه روسپانرا خسارات اقتصادی وارد نماید آورد ایرانیان را مفید نماید گردید. ولی این هیجان مقدس چنانچه گتیم باید عالمانه باشد و راعش اینست که اولاً بد آنچه خود دارند قناعت کرده و هر چه نیز که ندارند و ممکن است از خود ایران تهیه شود به تدارك آن پرداخته و آن چیز هائیرا که حصولش در خود ایران ممکن نیست و ناچار باستعمال آن هستیم بوسائل مقتضیه از دول سائره و ملل متحده دیگر جلب نموده تا خللی در ارکان تعیش ملت وارد نیامده و کم که مجبور بزك گرو نگردد. و نیز مجرائی براسیة اخراج مال تجارت خود که شاید طرف مقابل هم فصاص نماید پیدا کرده که بصادرات مملکتی نیز چندان نقصان وارد نیاید. اگرچه آغاز این هیجان مقدس و گرو تا درجه بی خساره نخواهد بود ولی مالاً برای تجارت و صنعت ایران دارای منافع عظیمه تواند گردید. که منجمه ترقی صنایع داخلی و حصول مجاری مختلفه دیگر برای در رو مال تجارت ایران بالطبع پیدا خواهد شد و پس از رفع این فائده آن صنایع جدیده و مجاری حاصله نیز بر ترقی صنایع و صادرات ایران طبعاً تواند افزود. برای اینکه هنوز حسن ملی ایرانیان کاملاً بیدار نشده این مسئله سیاسی را ناچار باید لباس مذهبی هم پوشانده حکم موقتی ترك استعمال امتعه روس بدیگره هموما معاملات با روسیان را از مقام منبع ریاست روحانی اسلام صادر نموده سائر حجج اسلامیه ایران هم یکصدا با مقام منبع ریاست روحانی اسلام شده ملت ایران را متنبه کرده شرعاً سیاستاً عقلاً حکمتاً از استعمال امتعه روس باز دارند و هر کس از روس بوستان ایرانی که تطل و تسامح از این حکم شرعی ملی نماید او را از ملیت و حیانت خروج

دانسته در غم و شادیش شرکت نه نموده در حمام و مساجد مسلیتس راه نداده و ترك همه گونه مراوده با او گویند. باز هم اگر متنبه نگردید بوسائل مقتضیه لوث وجودش را از صفحه ایران پاك و چنین لکهای سنگین را از عذار ایرانیان بزدايند

(۳) بدانند که حفظ نزاکت و دوستی سیاسی با دول همجوار فقط از وظائف دولت است و هر ملتی که در این وظیفه دولت خود را شامل سازد جز خدمات سودی نبرد. چنانچه نزاکت شناسی ایرانیان و ترك هیجان مقدس بر علیه متجاوزین بزاین دو سئاله اخیر کار را باین درجه سخت نموده است ایرانیان همان قسمی که باید در حفظ حقوق ملی ترك نزاکت شعاری نموده دولت خود را هم بزك نزاکت مجبور نمایند و ضمناً هم بتکالیف دولت قبل از حصول مقصود در ترك استعمال امتعه روس تنی در ندهند. دولت هم باید ملت را به بی حسی و نادانته ولو بطعام در این عمل مخصوص با ملت شرکت نماید از تائیدات سری ملت نیز باز نیاید و باقوال پلتیکانه همسایگان اقتناع شده و از تشرهای توتی آنان مرعوب نگردیده یعنی مقام منبع وزارت چند روزه خود را بر حفظ حقوق ملیه ترجیح نداده در جواب اجنبیان متمسك به همه قسم بای بندگی بتواین حقوقی بشود. و حسن ظن ملت را از خود مرتفع نسازد و از يك ناملامی قهر نکرده از وزارت استعفا نگردد. مختصراً باید در نظر همسایگان ملت و دولت یکدل و یکجهت جلو نموده افتراقی بین شان جز بر طبق افتراقات وظایفی و قانونی ظاهر نگردد حکه همین افتراق اسباب خلل کار و مورت دلیری همسایگان تواند گردید. و آنچه تا کنون سبب پیشرفت اجانب گردیده حتی در دوره وزارت سابقه هانا تباین افکار و مسلکی بود که همسایگان بین ملت و دولت دیده یا بذرایع مختلفه خودشان ابداعه بودند

(۴) ملت ایران راست که در ضمن این اقدام از تمسکات سیاسی و نمایشات ملی هم باز نیامده از پروتست های لازمی بسفرای دول و پارلمان های بزرگ دنیا و جراند معتبره کوتاهی نموده در اظهار حقانیت و مظلومیت خویش دقیقه فروگذار نماید و این گونه نمایشات ملی در عوام سیاست با بروز فعالیت دارای اثرات عظیمه است و همین نمایشات و پروتست های ملی علاوه بر اینکه ملل سائره را تا اندازه هم دردی آغاز جذب مینماید طبعاً به

علیه دولت متجاوز بر می انگیزاند ولو زبانی باشد و همین یک مانع بزرگی برایش رفت مقاصد دولت متجاوز میگردد

(۵) از وظائف دولت است که پروتست های رسمی از حرکات عهد شکنانه روس نموده و دول متجاوزا باخود هم آواز ساخته و خساراتیکه از این هیجان عظیم در تجارت و سیاست آنهاست وارد تواند آمد بیاگاهاید و ظاهر دارد که این هیجان ملی اگر چه اساساً در مقابل اجحافات روس است ولی ممکن است رفته رفته در عوام لباس جنسیت پوشیده سرایت بعوم خارجیان به نماید و رسماً دولت ذمه داری خودرا ازین هیجان و خسارات متصوره مرفوع داشته مدالانه بروسیان عاید دارد و سرأ تشکیل رقابتی سیاسی در جلوگیری از روس ولو باز دیاد حقوق تجارتی و سیاسی دیگران و دادن برخی امتیازات بسایرین باشد تشریح زیان اجحافات روس را به دولیکه تعلق تجارتی و سیاسی بایران دارند نموده با وسائل ممکنه عنایان را به حفظ حقوق مشترکه خودشان مستعد سازند و این اقدامات اهم پسری و علی جز بزرگ مرعوبیت میسر نیاید (۶) روحانین ایران راست که با یک عنیم صمیمانه دست اتحاد با ملل سائره اسلام داده مسلمانان عالم را خصوصاً اسلامیات روسیه را از تضییعات حقوق اسلامی شان آگاهانیده بهر وسیله که توانند آنانرا با خود هم صدا وهم افکار سازند، و بیرق هیجان عمومی اسلام را بدست گیرند که از روی ایقان امروز نه فردا درین مقصود مقدس کامیاب گردیده به آنها حقوق خویش را به این وسیله محفوظ تواند داشت بلکه داعی بر بیداری عموم مسلمانان عالم نیز خواهند گردید

(۷) انجمن های سری ایران راست که بوسائل مخفیة مواضعات لازمرا با انقلابیون روس مهاده تا هر قدر بتوانند موانع داخلی برای روسیان فرام آورند (۸) هرگاه باین تشبثات باز هم روسیانت از اجحافات بایران باز نیامده قشون خودرا عقب نکشیدند باید از مصادر روحانیه ایران حکم دفاع صادر نموده پای استقامت فترده و گفت (لا حول ولا قوة الا بالله) این مدافعه باید از طرف ملت شود و دولت این مدافعه باید مانند (پولس والیان)

باشد نه باصول صف آرائی و جنگ رسمی و ایرانیان بدانند که متجاوزین بمقوق آنها تا وقتی فعالیت از ایشان مشاهده نکنند و یقین نمایند که ملت تازه بیدار ایران درحفظ حقوق خود از سر بازی مویبند ندارد پیش پای خود نخواهند داشت و بمقوق خویش قناعت نخواهند کرد ایرانیان باید صلح خواهی و امنیت جوئی خود شان را بر طالبان ظالم داشته و ناجاری خویش را از این اقدام تدافعی مدلل سازند ایرانیان راست که همواره از دعوی حقوقی و اظهار مظلومیت خویش در عوالم اروپا کوتاهی نه نمایند ایرانیان راست که با یک فعالیت صمیمی حیثیات خودرا بر دنیای جدید و قدیم ثابت نمایند و یقین کنند که در یکی دو حمله مدافعه و جنگ و گریزانه آواز مبردی از کلبه دنیا به حایه آنان بلند خواهد گردید و بدین وسیله روسیسان را پیش پای خود خواهند نشاند آنچه روس را باین تجاوزات وادار نموده هاست مرعوبیت ایرانیان است و هرگاه ایرانیان با قوای موجوده خود خواه کم باشد یا زیاد مستعد مدافعه حقوقی شوند هیچ قوتی با آنها براری نتواند کرد، و این نکته را هم بدانند که اوضاع اندرونی روس اهم از مالی و انتظامی و انقلابی خیلی از ایران بدتر است و هیچ گاه مقتضیات سیاسی امروزه روس را اجازه نمی دهد که خویشتن را سالها در ایران دوچار مخاطرات عظیمه عموده ملوک طواغی را در خاک خود دعوت نماید

ما بصدای بلند می گویم که نه طالب - تنگیم و نه جنگ را بحال امروزه ایران مناسب میدانیم ما فقط استقلال و آزادی و حفظ حقوق خود را طالبیم خواه صلح باشد یا بجنگ ناچار ایم ما هرگز تجاوز بمقوق دیگران را خواستند نیستیم ما هیچوقت تجاوز از عهد را نمی پسندیم ما از هیچ قوم و ملت نفرت نداریم و با جمیع ملل روسیه زمین بمساوات رفتار نموده باب مراد و تجارت را باز میخواستیم، نسبت آصب مذهبی و جنسی بایرانیان دادن انصاف کشی و دعوی نفرت ایرانیان از اروپائیان غلط محض است، ما جز حفظ حقوق استقلالیه خویش و ترقی تمدن و تجارت محلیت خود هیچ چیز را طالب نیستیم، و برای حصول این مقاصد از فدیة جانهای عزیز هم دریغ نمیتوانیم

ایلی ایرانیان مسلمانان عند

برادران اسلامی - میدانید که ما ظلم رسیدگان بواسطه نجات خود از جنگال ظالمین که ماقبت منجر باضمحلال اسلام می شد از چهار سال باینطرف با عدم موجودگی اسباب درمقابل قوه قویه استبداد که صدها سال است در ایران فرطت روا بود استقامت ورزیده بدون اینکه بای بحقوق احدی مالیم بیرق حقوق طلبی بلند نموده از مال و جان دریغ نکرده بالغ بر صد هزار نفوس مقدسه خودمان را در راه استقلال و حفظ بیضه اسلام فدیہ داده صدها میلیون خساره متحمل گردیده و زیر بار هر نامالیات خارجی و داخلی رفته تا بحول و قوه خداوندی علم استبداد را سرنگون و بیرق سلطنت مشروطه ملیه اسلامی را بر افراشته بمركب آرزو سوار گردیدیم با اینکه حال رفت انگیز ما دل هر قسی التلب را بدرد می آورد و مایه رقت هر ملت نوع خواه تمدن جو میگردد بزرگترین دشمنان تمدن و عظیم ترین قوم اسلام کش یعنی روسیان که از زمان پترکیبر تا کنون در اضمحلال مسلمانان و محو آثار اسلامی در شرق و غرب دقیقه را فروگذار نه نموده همینکه دید ایرانیان نزدیک است خویشتر را در سایه سلطنت ملی از جنگال اسلام کشته وی نجات دهند بدو ابدسائس سری و حمایه مستبدین غدار کوشیده همینکه اقدامات سری شایسته داعی بر ضعف و اضمحلال معنوی و اختلاف بین ملت و دولت ما گردید بمداخلت های مسلحه پرداخته اینک يك و نیم سال است که خاک مقدس ایران که با اتفاق سیاسیون اسلامی مرکز اسلام و مایه استقامت مسلمانان دنیا است لگد کوب سه ستور محفانه خودشان ساخته مانع از هرگونه پیشرفت و عایق بر هرگونه ترقی و سعادت ما گردیده اند بدو با هم اینکه در انقلاب ایران ممکن است زبانی بر عابای خارجه برسد برده بروی مقاصد خودشان کشیده و رسا و غیر رسم مکرر وعده نمودند که چون امنیت در ایران قائم شود قشون خود را بدون هیچ شرطی باز خواهند کشید و ایرانیان را بحال خود خواهند گذارد در این يك و نیم سال هیچ دقیقه را در تولید اغتشاش داخلی و بدست آوردن بهانه کوتاهی نه نمودند، قضیه رحیم خان و عهد شکنیهای روس با ایران داستانیست که در هر سر بازاری هسته واقعه داراب میرزا افسر روس

و مداخلتهای غیر قانونی او طالعگیر است ، حرکات و حیثیاته قشون وی در قبه الاسلام خراسان و تبریز و اودیل و قزوین و استرآباد و مازندران و غیره برده از روی مقاصد آنان برداشته با این همه ایرانیان محض حفظ نزاکت بین المللی ساصکت مانده و در هر تجاوز رفع بهانه از روسیان نموده چنانچه در مدت چهارساله انقلاب ایران با اینکه صد هزاران ایرانی تلف و ملبونها خساره مالی متحمل شده از دماغ یک نفر از رعایای خارجه خون بیرون نیامده و بر کاهی خساره مالی بخارجیان نرسیده است باز این دشمنان تمدن و معدوم سازندگان آثار اسلام بخود نیامده از مقاصد فاسده خویش بازنگشته و هر روز يك گونه گریه پلنکی برای ایرانیان میرقصاند علاوه بر تاریخ که بزرگترین شاهد اسلام کشی و دشمنی تمدن جنس روسیان است همان شروطی را که برای جزئی استقراض ایران که آنهم بتکلیف خودشان پیش شده بود کافی تواند بود همینکه روسیان از رد استقراض بیداری ملت را دیده دانستند که اگر ایرانیان را بحال خود گذارند مقاصد اسلام کشی آنان که از بعد پترکیبر پیش نهاد نموده اند ماطل و باطل خواهد ماند، هرکس که در شروط استقراض دره غور نماید استنباط تواند نمود که دولت روسیه را جز سلب اسباب ترقی ایران و بستن دست و پای ایرانیان هیچ منظوری نبوده علاوه بر اینکه روسیه مایه اینهمه خونریزی و انقلابات ایران گردیده اینک سازتخنها و قوسلخانهایش در ایران مامن اشرار قرار گرفته و قشون موجوده اش که باسم امنیت وارد نموده مایه اغتشاش گشته نزدیک است شیرازه استقلال این مملکت اسلامی را از هم پاشیده و شبثه صبر ملرا بسنگ جفا بشکند، وزرای ما را از اصلاحات مانع ، حکام وولات را از اجراء قوانین ملکیه عایق، از هر سو آتش فتنه را دامن زن و بزور رشوه اشرار و جبهال را بسر جنبانی بر می انگیزند و بدین وسائل می خواهند بلکه بهانه بدست آورده گم شده های خود را در اقصای شرق از ممالک اسلامی حاصل نماید، این نکته را هم باید دانست که دولت روس این جرات و جسارت را حاصل نه نمود مگر در سایه اتحاد ما دولت فخریه انگلیس که همواره خود را حامی آزادی خواهان جلوه داده اند هرگاه دولت روس به پشتوانی اتحاد

انگلیس و تقسیمات جغرافیائی که دولتمن برای خود در ایران نموده اند نبود هرگز بچنین جرات و حلاوت نمی توانست در ایران تا این پایه مقاصد فاسده خود را تعقیب نماید ما نمی گوئیم که دولت انگلیس شریک کردار و رفتار روس در انقضای این مملکت اسلامی است، ولی باجماع انگلیسان دانای منصف اگر معاهده روس و انگلیس که طاهرا اولین فصلش احترام استقلال ایران بلکه ضمانت آزادی مطلقه اوست نبود چنین بهانه بدست روسیان نمی آمد، و تصدیق این مقال را همانا رای دادن دولت انگلیس بروس در ورود قشون باذربایجان و شرکت در شروط استقرض بروس است، برادران اسلامی - خوب است قدری متوجه باین نکات دقیقه شده در مضار مآلایه خود از اجحافات روس بایران غور نموده در حیاة ما نه، بلکه برای حفظ حقوق مسلمانان خودتان اندکی حسن اسلام پرستی خویش را بیدار ساخته به بینید که درجه حالاید و عاقبت این بی توجهی و سکوت و صمت شما، منجر بچه زیانهای اسلامی تواند گردید، شهابرادران اسلامی ما غالبتان از این آب و خاک و قبور آبا و اجدادتان در این مرز و بوم مقدس، و تاکنون افتخارتان بایرانیست است، علوم شما از ایران، ادبیات شما از ایران، منبع دیانت شما ایران، مرکز عادات و اخلاق شما ایران است، هرگاه روسیه ایرانیان را مضمحل سازد و این خاک مقدس که مدفن آبا و اجداد گرام غالب شما است لگد کوب کند دیانت شما را عادات شما را ادبیات شما را اخلاق اسلامی شما تمام شهید خواهد شد، چه منبع و مرکز تمام اینها ایران است و همینکه منبع خشکید بجزای می خشکد، شجر می خشکد، نمر هم نابود می گردد.

ایران مرکز اسلام است و باتفاق سیاسیان اگر ایران استقلال خود را به بازو، جمیع مسلمانان کرمانند یهود و ارمنه بی ملجاء و پناه مانده خاروزبون خواهند گردید تأیید بایران تأیید باسلام و حیاة از ایرانیان حیاة باسلامیت است آیا در این چهار ساله انقلاب ایران شما برادران ما شما هموطنان ما شاهم مذهبمان ما شاهم عادات و هم اخلاقان ما دربارۀ ابناء وطن قدیم خود چه حیاة نموده اید؟ وجه اطهار حیاتی کرده اید درست است که شما آزاد در دخالت پلنیکسی نیستید ولی

در همدردی اسلامی که آزاد هستید؟ کدام حسن اسلام خواهی را بروز دادید؟ کدام جنبه اسلامیت شصاری را آشکار کردید؟ هیچ قوم و ملت هیچ رعیت در هیچ سلطنت از همدردی بهم مذهبمان خود محروم نیست، امروز من حیث الامم مرکز اسلام را هندوستان باید گفت که دارای منتقاد ملایم است و اگر اصول اسلامیت را شعار خود سازند و از مقتضیات سیاست واقف شوند قوای منوی اسلام همه گونه در آنها جمع و علاوه بر حفظ حقوق ممدومه خود قادر بر حیاة سایر مسلمانان دنیا و حصول رابطه منوی با آنها توانند گردید، افسوس که آن برادران اسلامی از قوای منوی خود بیخبر و از مقتضیات سیاست دنیا بی اطلاعند، در حالیکه حسن همدردی، حسن اسلام خواهی، حسن وطن پروری در آنها باشد بدون اینکه دخالت در مواد ممنوعه پلنیکسی نمایند تأییدات عظیمه می توانند در جمیع دنیا بسائر برادران اسلامی خود برسانند، ما ایرانیان حیاة خاصی از آن برادران طالب نیستیم ما می گوئیم در آنچه های که ما و شما شریکیم که عبارت از دیانت، ادبیات، علوم، و اخلاق و غیره باشد باندازه حصه خودتان شرکت نموده بگذارید دشمنان اسلامش پایمال سازند، چه آتش درونی روسیان فقط باضمحللال ایران منطقی نخواهد شد علاوه بر اینکه وطن قدیم شما، مرکز دیانت شما، منبع علوم شما محور عادات و اخلاق و آداب شما را مضمحل نماید بدون حرف امروز نه فردا متوجه هندوستان نیز خواهد گردید، و آنچه آثار اسلامیت که از آباء ایرانیان در هندوستان باقی مانده او را هم محو خواهند ساخت، ما ایرانیان از شما برادران اسلامی خود حیاة مالی نمی خواهیم، تأیید سلاخی طالب نیستیم امداد جانی طلب نمی کنیم، ما از شما همینقدر خواهانیم که حسن خود را بیدار نموده و جنبه اسلامیت را شعار ساخته به دولت متبوعه خود یعنی دولت فخریه انگلیس بروست مؤدبانه که در خور رطایب ضعیف بی حسن بی علم در جنب دولت قوی بیدار عالم است کرده بایک صدای نجیف اسلام خواندانه مضار حالی و مالی که از اقدامات وحشیانه روس در ایران بدیانت و اخلاق و علوم و آداب شما وارد می آید اظهار نمایند، و دولت انگلیس را از بیداری خود

ووقته بمباردمان يك از قزاق استرآباد ظاهر میدارد که قیام قشون روس در ایران بالاصاله مورت نامنی است و این پیش آمدها ظاهر میدارد که دولت روس در صدد بهانه است بلکه بتواند طهران را قبضه کند، و باین وسیله ایران را مـدر خویش دارد، ابدأ مفهوم نمی شود که در اقدامات روس دولت انگلیس بجه خیال نشسته و تماشا میکند این ایام مراسلات دو نفر سیاح که ایرانی نیستند و فعلاً بسباحت ایران مشغول اند عقاید ذیل را تصریح می نماید

(۱) نفرت و بی اعتباری ایرانیان از روسیستان روز بروز در افزون است زیرا که قشون روس در تبریز از ۱۵ ماه و در قزوین از يك سال و نیز در جاهای دیگر علی هذاقیاس قیام نموده، ولو دولت روس هماره وعده میکند که همینکه امنیت در ایران قائم شود قشون خود را اعاده خواهد داد و حال آنکه از واقعات فوق بخوبی ثابت گردیده موجودکی قشون روس بالاصاله سبب نامنی است (۲) پلتیکی دولت انگلیس این وقت مبنی است بر خورسند نمودن دولت روس

سیاست انگلیس بالمره تحت اختیارات دولت روس نظر می آید چنانچه دولت ایران سه سال قبل باندازه که استمدای صلاح و استمداد از دولت انگلیس می نمود اکنون بهمان اندازه مشکوک الحاضر و چنانکه در دولت روس نظر نفرت مینگردد در دولت انگلیس هم نظر اطمینان نمیکند و همان قدر از سفارتخانه انگلیس دوری می جوید چنانکه سابق قریب می جست

(۳) حکومت جدید ایران خود را بسیار زبرک و لایق ثابت نموده خاصه در دو امر بزرگ، یکی آنکه به اصلاح ضرابخانه تا درجه احتیاجات فوری را رفع نمود، دوم در مسئله استقراض

از اتحاد روس سبب به انگلیس چه حاصل خواهد شد نمی توان گفت ولی کفۀ ترازوی ضرر آت سنگین بنظر می آید خطاهای پلتیکی دولت انگلیس را ضرر های ذیل متصور است

(۱) در قلوب رعایا و اهالی مسلمان و غیره دولت انگلیس این عقیده پیدا شده که اعتماد به دولت انگلیس نتوان نمود، روزنامه (ژون ترک) که به زبان فرانسوی در اسلامبول اشاعه می یابد این عقیده را بدین نوع ظاهر میکند « هر سلطنت اسلامی منقرض شده و می شود دولت انگلیس از او بهره ور

هوشیار نموده همینقدر و ا دار کنید که از تأییدات روس باز آید و اگر تأیید با ایرانیان نمی کند در تخریب آفات هم پشیمان روس نگردد که ماقبت زیانتش بانگلیس کتر از ایرانیان نتواند بود و بدین وسیله ابراز بیداری حس و نفرت بمرکات روسیه در ماده ایران بدهید، که همینقدر هم در عوالم اسلامیت خدمات و همراهی شما برادران را منظور خواهیم داشت، برادران اسلامی نظر بر اینکه طاقت ما طاق شده و شیشه سبرمان از اجحافات روس بسنگ ناصبوری خورده اینک که چاره باستقامت و مدافعه است تاسی بموالی خود جسته (القتل اولی من وکوب العار) گفته شمشیر حقوق طلی بدست گرفته در مقابل متجاوزین بمحقوق اسلامی خویش تا جان داریم و رومق، از پای نخواهیم نشست

یا جان رسد بجانان یا جان زتن بر آید

(وسیع الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون) و شهادت تاریخ و مواعید حضرت رب العزه ولو بظاهر ضعیف می نماید ولی چون بحکم بر خصم چیره خواهیم شد (و لا حول و لا قوة الا بالله)

قطر رای انام حجت بشما برادران اسلامی ایمل نموده یاد آور می شویم بآن احکامیکه طبقات روحانی اسلام من حجت المجموع درباره اجحافات روس در ممالک اسلامیه داده اند

انقلابات امروزه ایران اختلافات مذهبی بسبب شیعه و سنی در او یکسان و حقوق عامه مسلمانان بالتام ضایع میگردد، چنانچه فتاوی رؤسای مذهب شیعه و علمای اعلام سنت حساعت خاصه حضرت مفتی بغداد این نکته را بر عالیمان آشکارا داشته است

(ما پنج برادری که از يك پشتم)

(در پنجه روز کار بیج انگشتم)

(چون فرد شویم در نظرها علمیم)

(چون جمع شویم بر دهن ما مشتیم)

(اتحادیه اسلام)

ترجمه منچستر گاردین

(مورخه ۲۲ جولائی)

جناب مستطاب یگانه فیلسوف اسلامخواه غیور نوع پرست پستر ادورد برون پروفیسر دارالفنون کبریج می نویسد از جراید این مملکت سوای (منچستر گاردین) کاملاً این واقعه را ظاهر نداشته که از موجودکی قشون روس حالت ایرانیان تا چه اندازه پریشان شده و دولت ایران را چقدر مشاکل در برقراری امنیت پیش آمده است، واقعه رحیم خان و داراب مبرز

و دیدم که کفیشان امریکائی که در اصلاح دولت عثمانی همراهی می نمودند اهالی بنظر وقر و اجزاز بر آنها می نگرستند و مرد و زن همگی قدردانی از آنها می کردند ولی خیلی متأسفم از اینکه بسبب نوشته جن جنیده (طمس) بدان اندازه که در اوایل مشروطیت دولت عثمانی اطمینان به دولت انگلیس داشت حالا ندارد

انجمن تربیتی ایران و آمریکا
(آثار علم و تربیت)

در این ایام که آفتاب معرفت و دانائی و قمر اختراعات و قنوت از افق ایالات متحده آمریکا طالع گردیده و بواسطه بناء هزاران مدارس مجانی و خرج ملیون ها تومان در ارسال اطفال خورد سال خود را در نهایت دقت و کمال تربیت میدهند تا چوٹ بزرگ شده مصدر امور مہمہ و مرکز صنایع عجیبه گردند اقلأ دسته ایرانیان وطن پرست چشم باز درس سبق از اینها بگیرند و هر يك بقدر وسعت خود در نشر معارف ایران و تعلیم یران کیومرث و جشید کوششی اظهار دارند دی آسوده نه نشینند و ساعتی راحت نجویند تا دلبر آمال را در بر گرفته درمیان سائر دول مفتخر و سر افراز گردند ، امروز از هر فعله ، هر زارع ، هر تاجر ، هر دکا دار ، هر سرباز ، هر سردار ، هر شامزاده ، و هر آخوند پیرسید که آیا تحصیل علوم و فنون قرن جدید مورت سعادت و سیادت قومی وملی است ؟ فیالنور جواب خواهد داد بلی ، بس اگر آراء و عقائد جمیع اصناف ایران در اینمشله مہمہ متحد و متفق است و هرکس بدون تأمل اذعان مینماید که علم قوت است ، علم ثروت است ، علم نوشداروی حیات پلنیتیکی است ، علم مصداق آیه جاء الحق و زهق الباطل است ، علم باعث روشنائی قلب است ، علم سبب آبادانی مملکت است ، علم علت جلال و اقبال نوع انسان است چرا رؤسا و ادبا در انجسام این امور فرح بخش قیام نمی نمایند ؟ چرا مجاهدین و آزادی خواهان دوعقب سراپهای فانیه میدوند ؟ چرا وکلاء ووزراء اوقات شریف را به نفاق و جدال میگذرانند ؟ چرا سواد های شهر امید به ذنبه و شطحات بی معنی مألوفند ؟ چرا متمولین و حلیونر های ایران در

گشته و بیکرود چنانچه نمونه آن (سائرس ، مصر آنای سویز ، بنادر خلیج فارس ، بلوچستان موجود است گویا دولت انگلیس چنان تصور می کند که قوای اسلامی در دنیا خاتمه پذیرفته اینست که با دشمن دیرینه خود (روس) اتحاد کرده ، و از حرکات خویش در عوالم اسلامی برای خود تولید حفسده می کند و محبت تر اینکه با مسلمانان هم میخواهد اظهار خصوصیت نماید و حال آنکه در خرابی عربستان ، مصر ، خلیج فارس ، ایران و افغانستان نهایت سعی دارد .

برای آگاهی دولت عثمانی همین يك مضمون در جریده فرانسوی کافی است و عبارت روزنامه (شرق) برای ایرانیان عبرت انگیز است که میگوید « امروزه بر ایرانیان معلوم شده که از دولت انگلیس امیدوار نتوان بود این قوم خود غرض برای همدردی اسان بهیچ نوع کاری نخواهد کرد تا وقتیکه ضمناً خایده جبهه خود حاصل ننماید »

(۲) اقوامیکه خواهان اتحاد ما بودند بطرف دولت آلمان مایل شده و دولت عثمانی نیز نفات جریده (طمس) را فراموش نکرده که در زمان انقلاب می سرود ، و نیز مرکوز خاطر ایرانیان است که در سنه ۱۹۰۹ حسب صلاح دید ما قشون روس داخل تبریز گردید ، اخراج قشون روس را از ایران هماره ما قبول نموده و همیشه سفرای ما درباره حقوق ایران که دولت روس در صدد محو آن است از دولت متبوعه خود استمداد جسته

(۳) بلحاظ نکته تجارتي نیز دولت انگلیس متضرر شده چنانچه صریحاً از روی راپورت (مستر آلیفت) درباره تجارت ایران ظامر می شود که تجارت روس ۱۵ ملیون قران زاید شده بالعکس تجارت انگلیس ۲۳ ملیون قران کم گردیده و این يك از نتایج عهدنامه روس و انگلیس است

من نمیتوانم در کلیات پلنیک بحث کنم زیرا که تصرفی در آن ندارم ولی من هماره همراهی بامسلمانان نموده ام خاصه با ایرانیان و عثمانیان و سخت متأسفم هرگاه مشاهده میکنم که دو سال است ایرانیان و عثمانیان را سوء ظن از دولت انگلیس پیدا شده بر این سوء ظن شکی نیست و غیر طبیعی هم نیست من در موسم بهار گذشته در اسلامبول بودم

پیشرفت ترقیات عصر و نجات ملت از دست قرض اجاب نمیکوشند؟ چرا شب و روز مانند آدمهای ماتم زده لباس سیاه پوشیده و بر خاکستر مذلت نشسته مایوسانه موکنان وسوگووارند؟ چرا از نوم عظیم غفلت و بیهوشی بیدار نمی‌شوند؟ چرا چشم‌های خود را باز نموده بطور زرنکی و جلالانه مت نمی‌کارند؟ چرا چون ماکیان بدو بت خود نشسته باطراف جهان مانند سکتور پلدار سفر نمیکنند؟ چرا حالات و وقایع دول غرب را از روی باریکی تحصیل نمی‌نمایند؟ اگر همسایگان ما بواسطه علم و هنر باین همه قدرت و اهت رسیده اند بی معلوم است که اگر رنج را قبول نایم به گنج لا یغنی خواهیم رسید و اشجار علوم و فنون را در گلستان وطن خواهیم سکتت. مردم غرب ابداً نه فوق جسمانی یا عقلانی یا روحانی بر ماها ایرانیان نداشته و نخواهند داشت. ابن پسران ابوالنسر و دختران حوا از آسمان باین نیامده اند و به قاب قوسین او ادنی هم نرسیده اند که علویت و برتری یا حریت و سروری بر اولاد و نسل کیخسرو و انوشیروان پیدا نمایند بل هر چه کرده اند و بهر قله سکه صعود نموده اند از بر تو علم بوده. حال معلوم است که ابن موزردان کبود چشم غربی که آواز دهل اختراعات خود را بگوش دور و نزدیک رسانیده اند و مانند طاؤس و بال بر قشنگ ظاهراً خود فخر و از یاهای زشت خود پیشترند تا سه چهار قرن قبل در جنگل‌ها باموهای دراز و تقریباً عربان و حبشیان زندگی میکردند تا آنکه وارث علوم و فضائل ایرانیان و اعراب گشتند و از آنوقت آن انوار را حسدی خود قرار داده روز بروز کار کردند بر انوار موروثی افزودند و به جمیع نعمتهای الهی و مراحم سبحانی فخر شدند. ولی اینمطلب را باید افغان نمود که ستاره را شمس کردید. دانه وا خرمن فرمودند. جوی باریک را دریای بیکران نمودند. سرمایه را بکار انداخته منافع بی پایان بردید پس ما ایرانیان را باید و شاید که بر حسب قانون تشبیر نابذیر طبیعت سرمایه علم و فضل که از اجداد محترم ما موروثاً بآنها رسیده با منافع آن به طلبیم. و علویرا که کامل نموده اند تحصیل کنیم. در طرقی که صاف نموده اند مشی نایم. شاهکار

هائیرا که بانجام رسانیده اند دنباله سکنیم و باید بخوبی بدانیم که هیچ راه مضر و نجاتی برای ما نمانده مگر تحصیل علم و تربیت دولت و ملت باید دست اخوت و یگانگی بهم دیگر داده و برای نو رسیده گات مملکت در هر گوشه مدارس کافی و دارالفنون های جامع بنا نمایند و ابواب آن را بر وجه اکل مفتوح دارند و تحصیل اطفال را چون ایالات متحده آمریکا اجباری قرار دهند و معلمین ما هر دانا از هر سنی بدست بیاورند تا در قلیل مدتی آثار مدنیت حقیقی و روح آزادی منقوسی در عروق و شریان جوانان آن دیار سیلان یابد و ملت باهلی درجه انسابت و حقیقت پرستی ارتقاء جوید. اینست راه سعادت مملکت! ایست طریق سیادت دولت

(انجمن تربیتی ایران و آمریکا)

چندین ماه قبل قارئین محترم در صفحات این جریده مبارکه از تشکیل و افتتاح انجمن تربیتی ایران و آمریکا در پایتخت ایالات متحده آگاهی یافتند و بر لطماناه و افکار آن در باب نشر معارف در وطن عزیز اطلاع پیدا نمودند. هیئت این انجمن را خیال بر آن است که اهالی عالم دوست آمریکا را در ترقی علم و صنعت در مملکت ایران جلب نمایند و در جزو خود ایرانیان را هم تأیید و توفیق مالی و خلقی نموده آنها را بر مقتضیات زمان آگاه ساخته و در بناء مدارس و دبستانهای این قریه جدید تشویق و تحریص کنند و روابط محکمه تجارتی و صنعتی و تعلیمی در میان باشندگان این دو مملکت انتشار دهند انوار حقیقت نار نمایند. علم تربیت و تعلیم اطفال ایران را بر دوش گیرند. علمیه و غلغله در قلوب پژمرده افسرده راه بیندازند آثار فرح انگیز تمدن و ترقی را در آن مملکت رواج دهند و بدون افکار سیاسی قطاع الطریقی دول طماع حریص اروپ خدمت بایرانیان قدیم المذنیه نمایند. زیرا وقایع تاریخیه (کوبا و مکزیکو) که در آمریکا شالی واقع شواهد غیر قابل انکار است که ایالات متحده ابداً در خیال تسخیر ممالک و فتح بلاد نزدیک هم نیست تا چه رسد بممالک بعبده آسیا ولی فقط آرزوی که دارد استحکام روابط تجارت و معرفت و صنعت است که بطور قانون تعاون و

تعارض با سایر ملل از روی عدالت و داد بین المللی معاشرت نماید .

باری فریب شنش ماه است که انجمن تربیتی ایران و آمریکا بنیادات آلبیه تأسیس گردیده و در اجدت ترقی و پیشرفت آن بسیار قابل ملاحظه است و بهترین دلیل وجود آن است ، و این ترقی و پیشرفت مؤسسين و هیئت و اعضاء موجوده آن را خیلی قوت قلب داده و در فکر انجام خدمات بزرگ افتاده اند که انشاءالله آثار آن بزودی ظاهر و هویدا خواهد گشت و امید چنان است که بخدمت شایان ملت ایران موفق گردند ، در این قلیل مدت عدد اعضای این انجمن (که هر يك مبلغ هجده تومان برای تربیت طفل فقیر یا یتیمی در مدارس ایران میدهند) به بجا نفر رسیده و دخل انجمن از هزار تومان بالا رفته است ، غرابت در اینجاست که هر يك از این نفوس محترمه امریکائی از شهری یا ایالتی است که صد ها بل هزاران میل از هم دور است ، مثلاً از کالیفورنیا و سیاتل که قریب چهار هزار میل از واشنگتن دور است این انجمن برای تربیت اطفال ایران وجه دریافت نموده و انشاءالله در آخر سال اسما اعضاء و شهرهای آنها و دخل و خرج انجمن را قلم بقلم محض اطلاع ایرانیان بجهة طبع در جریده محترمه خواهد فرستاد ولی تا بحال فهرست اسما اعضاء را با دو قبض بانک که یکی سیصد تومان و دیگری دویست تومان باشد نزد اولیاء مدرسه تربیت طهران فرستاده که شاگردان محق را انتخاب نموده و در مدرسه به تحصیل مشغول دارند

مشه دیگر آنکه یکی از قوانین نظامنامه این انجمن آن است که کتب و صحف علمی و فنی و تاریخی و طبی و غیره و جرائد و مجلات هنری و ماهیانه دائماً جمع نموده و با اداره مدرسه تربیت فرستند و الحمد لله تا بحال عده نفوسی از نیک سیرتان داوطلب گشته که کتب و مجلات فرستاده فرستند و این مشه را بسیار اهمیت داده بحدیکه هفته نمیگذرد که کتب و مجلات نفیسه بسیار مفید با پوسته ارسال نگردد و این مسلك همیشه پیروی خواهد شد و حتی به کتبهائیکه باین اداره رسیده و رأساً فرستاده میشود کفایت نموده اعلان جایی به اطراف آمریکا

فرستاده که هر کس طالب چنین خدمتی است کتب و مجلات را يك سر بفرستد ، مثلاً یکی از زنان محترمه دو سه ماه قبل يك صندوق کتیب بسیار مفید باین اداره فرستاد و آن کتب را محض آنکه زود برسد بسته بسته نموده با پوسته در عرض چند هفته ارسال داشت ، باین وسیله در اندک مدتی مدرسه تربیت دارای کتابخانه و قرائتخانه معتبری خواهد گردید و همه گونه جرائد و مجلات مصوره دارا خواهد بود تا محصلین و مطالعه کنندگان و قابع نگاران و مترجمین خصوصاً و مردم عموماً در آنجا رفته از مندرجات آن کتب و جرائد بر اوضاع غرب اطلاع یابند ، حتی از دوستان مقیم فرانسه استماع نموده که مجلات و کتب فرانسوی هم ارسال مدرسه تربیت دارند ، زیرا امروز هر قدر ما با ایرانیان بیشتر بر ترقیات صنعتی و معیشتی و سیاسی و مالی دول دور و نزدیک آگاه گردیم و هیئت اجتماعیه عموم فاس را بر مقتضیات زمان مطلع بنایم برای خود مان بهتر و خوشتر است ، و حال هیئت این انجمن در نهایت دلگرمی بد همت بالا نموده که بدون توقع اجر و مزدی و بدون شائبه اغراض نفسانی هر نوعی هست اشکالات را بر طرف کرده در خدمت نوعی ایرانیان بکوشد تا هر کس بر معنی حب الوطن من الایمان آگاه گردد ، و اهلی ایران عموماً به حق الیقین و علم الیقین بدانند که روح حقیقی این انجمن تمدن و ترقی و تربیت و تعلیم است نه تقهر و تندی و جهل و نادانی ، اساس اساس اتحاد و اتفاق است نه جدال و نفاق ، بر چشم بر چشم محبت بنوع است نه دشمنی و بغض ، قوتش قوت یگانگی و فرزادگی است نه بست صفتی و دو روئی کله جامعه اش برادری و برابری و آزادی است نه استبداد و ظلم و تلامی ، افکارش در ساختن قصر طلائین جشیدی و کیکاوسی است نه در انهدام استقلال و شهنشاهی ملت خسروی ،

لاجرم در اینموقع در نهایت تضرع و اقبال از جمیع ایرانیان خوش دل بکسرنک آینه قلب رجا میگردد که بقدر قوه خود بنایید و توفیق افکار این انجمن قیام نمایند و در نشر اصول آن همت فرمایند زیرا معین است که بدون کمک شما سنی و کوشش ما در آمریکا هباء منثوراً خواهد گردید

نعمتی که کشته گردیده نخواهد روئید. وزحمت هائیکه تا بحال در استقامت این انجمن کشیده شده. بهر خواهد رفت. و بدون اتحاد و اتفاق صمیمی شما این خادمان نجات و فلاح نخواهند یافت و بدون اطلاعات بر احتیاجات همدیگر این شیفتگان ترقی و تمدن ایران موفق بر انجام آن خدمات نخواهند گردید

پس ای ایرانیان رشید! و ای وطن پرستان غیور! بیسایید تا دست یگانگی و اخوت همدیگر دهیم. مالالتجاره ایران را در آمریکا انتشار نمانیم صنایع. اختراعات و معارف آمریکا را در ایران رواج کنیم. مثلاً شماها ملاحظه فرمائید که آیا خداوند یا حضرت رسول ص راضی است که جمیع منافع تجارت ایران با آمریکا عوض آنکه در جیب شما برود در کیسه چند نفر اغیار داخل بگردد؟ آخر مگر علم تجارت شما. لسان دانی شما. حساب دانی شماها. صداقت و امانت شماها از این چند نفر اغیار کتر است؟ هیئت این انجمن که هر یک کار آزموده و مجرب است همه گونه در خدمت شما حاضر. وقت را باید عنایت شمرد و هاپون طبر را نباید بی قیدانه از دست داد. الحمد لله پس از زحمات و مشقات سالها و مقدمه های الهی چنین انجمن متین تشکیل گردید. چنین دستگاه مهم جدیدی در مرکز تمدن دنیا و در واشنگتن پایتخت آمریکا بر حسب قوانین مملکت و فرمان حکومت جمهوری براه افتاد و حاضر است که شما را در پیشرفت تجارت و معارف و صنعت همه نوع کمک و تأیید نماید. سفره به نعمات گوناگون مزین شده و در جلو شما گسترده شده است اقللاً شما همی نموده از خواب غفلت بیرون آئید و چشم های خود را باز فرموده از اغذیه لذیذ غیر مترقبه تناول نمائید. آیا دیگر میتوان در هر مجلسی داخل گردیده فریاد و فغان بر آوریم که خداوند جمیع ابواب ترقی و نجات را بروی ما بسته است. حق جل جلاله ما را فراموش نموده است؟ نه والله! نه باقیه!

حضرت پروردگار هیچ وقت عباد خالص خود را فراموش نموده و نخواهد نمود! ما هائیم که خالق موجودات را فراموش نموده نوامیس جامعه او را در گوشه لیبان می اندازیم و باز توقع داریم که مرکز توفیقات عصر و محور کالات گردیم. آخر

تاکی! تا چه وقت! ماها باید دل را به کلمات خوشخط و خال مسرور داریم و به الفاظ توتنی قناعت کنیم! باید جنبش کرد! باید حرارت پیدا نمود! باید وقت را غنیمت شمرد! باید قانون تعاون و تماضد را یاد گرفت! باید شعله آتش و اخگر جالسوز شد! باید اتحاد و اتفاق پیدا نمود! باید قد علم کرد. باید نعره و فریاد بر آورد. باید لباس مدرسه خودت و تپلی را از بدت سبیم دور انداخت. باید مشتعل و منجذب شد. باید در میدان کشمکش و تنافس جنگ نندن و تجارت و علوم جدید داخل گردید. باید شجاعت و بسالت ابراز نمود. باید سر را با تاج زاهر درخشان ظفر و فیروز مندی مکل کرد. ای عزیزان من. اینها و خیلی کارهای دیگر را باید بزودی بانجام رسانید زیرا وقت تنگ است. شب تاریک است. زمستان طوفانی است. از بی لباسی عریانی عریانی. از گرسنگی و بی قوتی ضعیف ضعیف. از سردی هوا لرزان لرزان. از ترس غولان بیرحم توسان توسان. از بی صاحبی درمانده ایم درمانده. خانهای خراب است. اطاقهایان بی نور است. برف و باران از سمت ضرب چون سیلاب میبارد و هر چه مانده در جلو خود میبرد. از بی خانگی ویلان دو هامونیم و از بی منزلی سرگردان دشت و بیابان اولاد های عزیز و جگر پاره هایان از بی بدری و بی سر برستی در بدر گشته اند. دهاتمان از سم ستوران استبداد با خاک یکسان گردیده. خونهایان بدست میر غضب های ملانک صورت در شیشه شده. اهار علومان خشک و بوستانهای معارفات بی شجر و نمره. نضحات گل و سنبل بمشام نمی رسد. بلبلان خوش آواز ساکت گشته اند. نه گلی و نه ریحانی. نه طیری و نه گلستانی. عنکبوت اوهام در شبستان های قلوب تار و بود نادانی نسج نموده و بوم و غراب جهل در قصور عقول منزل و ماوی جسته. دشمنان خونخوار از هر جهت حمله مینمایند و شهادان تو دست خریطه قسمت مملکت را حاضر و آماده نموده اند. مار و عقرب داخله بجان مان افتاده و خونمان را می مکند و خرس کوهسار و نهنگ دریا بشکر انهدام ملی مان افتاده اند. هایهای که ابواب